

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

طلوع خونین

نظم نوین جهانی

مقاله‌ای از منصور حکمت

صفحه ۹

Vol. 1, No. 10, February 1991

سال اول، شماره ۱۰، بهمن ۱۳۶۹

چه کسی پیروز می‌شود:

جنگ رسانه‌ها با وجدان عمومی

جنبش ضد جنگ
گسترش می‌یابد



صفحه ۸

مرکز خبری کارگرامروز: در نیمه اول ژانویه، با نزدیک شدن موعد اولتیماتوم جنگ با عراق، اعتراضات ضد جنگ در آمریکا و اروپا شدت گرفت و با بمباران هوایی عراق و آغاز جنگ در سحرگاه ۱۷ ژانویه جنبش ضد جنگ در بسیاری از کشورهای جهان گسترش یافت. روزهای ۱۲ و ۱۳ ژانویه صدها شهر اروپا و آمریکا شاهد تظاهرات ها و راهپیمایی های بزرگ بود. روز ۱۳ ژانویه نقطه اوج آکسیونهای ضد جنگ بود که بیش از آغاز جنگ در ۱۸ ایالت آمریکا بیوقفه ادامه داشت. ظرف همین دو روز میلیونها نفر در شهرهای مختلف اروپا به سیاست جنگی آمریکا و متحدان اروپائیش اعتراض کردند. صفحه ۷

سوم ژانویه در ترکیه

چرخها از حرکت باز ایستاد

سندیکاهای سراسری ترکیه، انجام گرفت پاسخی بود به محدود کردن حق اعتصاب از جانب دولت و همچنین اعتراضات جناحهای رادیکال جنبش کارگری ترکیه به رهبری "ترک ایش" مبنی بر سازشکاری در قبال اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگران در ماههای اخیر. مرکز خبری کارگرامروز: ۹۰ درصد کارگران ترکیه در اعتصاب عمومی سوم ژانویه شرکت کردند و بیش از دو میلیون نفر در این روز دست به راهپیمایی زدند. این اعتصاب عمومی که به دعوت "ترک ایش" و "خلق ایش"، دو فدراسیون سندیکاهای سراسری ترکیه، انجام گرفت پاسخی بود به محدود کردن حق اعتصاب از جانب دولت و همچنین اعتراضات جناحهای رادیکال جنبش کارگری ترکیه به رهبری "ترک ایش" مبنی بر سازشکاری در قبال اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگران در ماههای اخیر. صفحه ۵

افزایش دستمزد و کاهش ارزش ریال:

قربانی کردن کارگران در پیشگاه سرمایه

هزینهها به جای خود برقرار خواهد بود. افزایش نزدیک به ۶۷ درصد به حداقل دستمزدها و اعلام آن دو ماه زودتر از معمول هر ساله و همچنین افزایش قابل توجه حقوق کارمندان و کارکنان دولت، و نیز حدود دو برابر کردن حقوق ارتشها طی چند ماه گذشته، همه این تصور را تقویت می‌کرد که دولت قصد کاهش ارزش ریال را دارد. اقدامی که در سالهای اخیر بعنوان راه نجات اقتصاد ایران همواره از آن صحبت بوده است. مرکز خبری کارگرامروز: در نیم دی ماه گذشته، شورای عالی کار جمهوری اسلامی بعد از جلسات مکرر و بررسیهای زیاد، تصمیم گرفت که ماهانه ۲۰۰۰ تومان به حداقل دستمزدها و به کلیه سطوح دستمزد کارگران در سال ۶۹ اضافه کند. بنا به این مصوبه حداقل دستمزد روزانه کارگران از ابتدای سال ۷۰ از ۱۰۰ تومان به ۱۶۶۷ تومان (نزدیک به ۶۷ درصد) افزایش خواهد یافت. طبق این مصوبه سایر اضافات معمول مزد کارگران، نظیر دادن یک پایه سنوات، و توابع مزد مانند بن کارگری و کمک خواهند داد! قانون کار جمهوری هرس شدهی پیش نویسی است که هیچ یک از حقوق پایه‌ای و شناخته شده کارگران ایران نظیر حق تشکل، حق اعتصاب، ۴۰ ساعت کار، منع هرگونه تبعیض جنسی، مذهبی و ملی و غیره را برسمیت نشناخته است. □

اعتصاب یکپارچه و دو هفته‌ای هزاران کارگر پالایشگاههای ایران

افزایش دستمزد به تناسب تورم، تامین مسکن و خواربار توسط دولت

کارگران تا ۳۰ دیماه به دولت مهلت دادند

مرکز خبری کارگرامروز: بنا به گزارش حزب کمونیست ایران، از روز هشتم تا بیست و سوم دیماه گذشته هزاران کارگر پالایشگاههای مختلف کشور برای دستیابی به خواستهای مشترک، دست به اعتصابی هماهنگ زدند. حرکت اعتراضی ابتدا با اعتصاب غذای کارگران پالایشگاه اصفهان و آبادان در هشتم دیماه آغاز شد، و روز بعد به پالایشگاه تهران و سایر پالایشگاهها سرایت کرد. کارگران بعد از چهار روز اعتصاب غذا و مشاهده بی‌اعتنایی مقامات، کار را نیز متوقف ساختند. خواستهای کارگران در این اعتصاب عبارت بوده است از: افزایش دستمزد متناسب با تورم، تعیین موقعیت استخدامی بخشی از کارگران که شامل قانون کار نیستند، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تهیه مسکن و افزایش حق مسکن، دادن پنهان عقب افتاده کارگران، دادن جیره خواربار مطابق قرارداد دستمزدی سال ۵۷ (هر ماه ۲۰ کیلو برنج، ۵ کیلو روغن، ۳ کیلو حبوبات)، به جای ۹۰۰ تومان حق خواربار که اکنون پرداخت می‌شود. صفحه ۴

قانون کار رژیم اسلامی برای اجرا به دولت داده شد

خواهند داد! اجراست. کمالی وزیر کار در مصاحبه‌ای با خبرنگاران اعلام کرد که تهیه آئین نامهای اجرایی قانون مذکور آغاز شده است و با تصویب هر بخش از آئین نامه اجرایی قانون تازه کار به اجرا در خواهد آمد. "سلامتی" یکی از نمایندگان مجلس ضمن اظهار اینکه "مایه خجالت و تاسف است که قانونی به این مهمی، ۱۲ سال در روند قانون گذاری دیر می‌کند"، ابراز امیدواری کرد که با تصویب این قانون کارگران بیشتر کار خواهند کرد و "جواب تکنوکراتها را که می‌گویند بعد از اجرای این قانون ممکن است محیط کارگری متشنج و کار کم بشود، مرکز خبری کارگرامروز: روز هفتم دیماه گذشته هاشمی رفسنجانی طی نماز جمعه تهران خبر تصویب قانون کار جمهوری اسلامی در شورای مصلحت را اعلام کرد، و بعد این قانون به دولت ابلاغ گردید. بنا به گزارش روزنامه‌های چاپ تهران با اعلام این خبر، بسیاری از کارفرمایان و کارگران ضمن تماس با دفاتر روزنامه‌ها و مراکز خبری جوپای تاریخ اجرای قانون جدید کار شدند. روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: "جنبش بنظر می‌رسد که بسیاری از اخبار منتشره چنین ذهنیتی یافته‌اند که این قانون از امروز (۱۳ دی ماه) قابل

بمناسبت تصویب قانون کار رژیم

صفحه ۳

کارگر امروز

اتحادیه ترانسپورت انگلستان، اعتراض به اعدام جمال چراغ ویسی

مبارزه برای تعطیلی پنجشنبه ها

بنا به گزارش نشریه "راه کارگر"، بدنبال بخشنامه سازمان صنایع ملی مبنی بر اضافه شدن ساعات کار هفتگی و برقراری شش روز کار در هفته، اعتراضات گسترده‌ای از جانب کارگران کارخانه تحت پوشش این سازمان بر پا شده است. در بعضی از کارخانه‌ها مدیریت قادر به اجرای تصمیم خود و برقراری "پنجشنبه کار" شد و در برخی کارخانه‌ها نظیر فیلکو - آزمایش - سیکو و البرز، از گروه برق و لوازم خانگی، کارگران موفق به تحمیل خواست خود مبنی بر تعطیل پنجشنبه گردیدند.

تحصن کارگران کارخانه جواهریان علیه اخراج

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران کارخانه جواهریان به دنبال چند ماه اعتراض علیه اخراج در تیرماه سال جاری دست به تحصن در برابر کارخانه زدند. کارگران طی مراجعات مکرر به وزارت کار و اعتراض به تعطیل کارخانه دریافتی بودند که صاحب کارخانه تصمیم به اخراج کارگران قدیم و استخدام کارگران قرار دادی دارد. بنا به گزارش حزب کمونیست ایران، تحصن کارگران کارخانه جواهریان که

اعتصاب کارگران کارخانه آتمسفر

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران قراردادی کارخانه آتمسفر با اعتصابی دو روزه توانستند حق بهره‌وری و حق نهار خود را افزایش دهند. بنا به گزارش حزب کمونیست ایران، اعتصاب در هفته دوم دیماه و زمانی آغاز شد که کارگران استخدامی حق بهره‌وری معادل ۱۰۰ درصد دریافت داشتند و به کارگران قراردادی چیزی

شرایط ناامن کار در فولاد مبارکه اصفهان

بنا به گزارش حزب کمونیست ایران، شرایط ناامن کار بازهم از کارگران مجتمع در حال ساختمان فولاد مبارکه قربانی گرفت. روز ۱۹ تیرماه گذشته یکی از کارگران که در اولین روز استخدام خود در شرکت ماشین سازی پارس، در یک ارتفاع ۴۰ متری مشغول به کار بود سقوط کرد و جان

مرکز خبری کارگر امروز: در ادامه اعتراض به اعدام و دستگیری فعالین کارگری در ایران، اتحادیه کارگران ترانسپورت انگلیس، با ۱/۳ میلیون عضو و بزرگترین اتحادیه کشور، طی نامه‌ای در دهم دسامبر گذشته خطاب به سفارت جمهوری اسلامی، دستگیری، شکنجه و اعدام رهبران کارگری در ایران بویژه اعدام جمال چراغ ویسی سخنگوی اجتماع اول مه کارگران سنندج را بشدت محکوم کرده است. نامه اتحادیه ترانسپورت از این قرار است:

آقای خارقانی
سفارت جمهوری اسلامی ایران، لندن
دوم دسامبر ۱۹۹۰

این نامه را از جانب ۱/۳ میلیون عضو و از جانب شورای اجرایی عمومی اتحادیه کارگران حمل و نقل و کارگران خدمات عمومی به شما می نویسم.

مطلع شدیم که طی سال جاری چندین رهبر کارگری در ایران، از جمله جمال چراغ ویسی، بخاطر فعالیتهاشان دستگیر، شکنجه و سپس اعدام شده‌اند. این خبر ما را بشدت تکان داد و متاثر کرد. ما این اعمال غیر انسانی را که بشدت حقوق بشر را پایمال می کند، محکوم می کنیم. با احترام
ران تاد، دبیرکل اتحادیه

حقوق پرداخت نشده کارگران بازنشسته شرکت واحد

مرکز خبری کارگر امروز: بنا به گزارش حزب کمونیست ایران، مدتی است که کارگران بازنشسته شرکت واحد تهران، متکی بر مجمع عمومی خود به مبارزه برای گرفتن بخشی از دستمزد خویش که در زمان جنگ از آنها کسر شده است ادامه می دهند. یکی از کارگران در پاسخ این سوال که چرا همان موقع که بر سر

افزایش حق بهره‌وری در پارس الکتریک

بنا به گزارش حزب کمونیست ایران، مقامات کارخانه که خطر یک اعتصاب را احساس می کردند، به هراس افتادند و با سخنرانی در بخشهایی که کار در آن مختل شده بود، وعده افزایش حق بهره‌وری در آذر ماه را دادند و مانع گسترش اعتراض گردیدند.

در اواخر آبانماه کارگران کارخانه پارس الکتریک با اطلاع از اینکه حق بهره‌وری فقط ۶۰۰ تومان است دست به اعتراض زدند و از دریافت چک حق بهره‌وری امتناع کردند. بخشی از کارگران دست به کم کاری زدند و در برخی سالن ها کار تقریباً متوقف شد.

گزارشی از گردهمایی دوستداران کارگر امروز در استکهلم

مرکز خبری کارگر امروز: اولین گردهمایی دوستداران نشریه "کارگر امروز" در ماه ژانویه در استکهلم و با حضور ۱۴ نفر برگزار شد. این گردهمایی که به همت تعدادی از علاقه‌مندان به نشریه "کارگر امروز" تشکیل گشت ابتدا اهمیت و جایگاه این نشریه را مورد بررسی قرار داد و سپس درباره کمکهای گوناگونی که می توان به این نشریه کرد از جمله کمک به امر توزیع نشریه توسط شبکه‌های حرفه‌ای، کتابفروشیها و مغازه‌های ایرانی در سوئد، جمع آوری کمک مالی، گرفتن آگهی، تهیه مطلب، معرفی "کارگر امروز" به کتابخانه‌ها، اتحادیه‌ها و تشکلهای کارگری در سوئد و تلاش برای آنبوه کردن آنها، و همچنین انتشار

اعتصاب رانندگان اتوبوس ذوب آهن اصفهان

در هفته آخر خرداد ماه گذشته رانندگان سرویسهای ذوب آهن در اعتراض به پایین بودن نرخ کرایه از انجام سرویس بعدازظهر خودداری کردند. مقامات ذوب آهن با دشواری بسیار و با گرفتن چند

شما در سوئد حق رای دارید

بعد از سه سال اقامت در سوئد صاحب
حق رأی در کمون و شورای استان می شوید

از این حق استفاده کنید!

در کلاسهای آموزشی "مهاجرین و

انتخابات ۱۹۹۱" شرکت کنید

با سازمان دهندگان آموزشی خود
و یا شعبات ABF تماس بگیرید



ABF STOCKHOLM, BOX 1305,
111 83 STOCKHOLM

کارگر امروز

را برای

خود و دوستانتان

آبونه شوید

گردهمایی دوستداران

کارگر امروز

در استکهلم

ساعت ۴/۵ بعد از ظهر
۱۶ فوریه در خانه کتاب

Frejsten 82
113 31 Stockholm
Tel: 08-300195

ISSN 1101-3516

کارگر امروز

نشریه افترناهیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Worker's Paper

Editor:
Reza Moqaddam

سر دبیر: رضا مقدم

Bank Account: حساب بانکی
5201-3306202
S.E. Banken
Stockholm, Sweden

Address: آدرس
W.T.
Box 6278
102 34 Stockholm
Sweden

اروپا: یکساله ۱۲۰ کرون سوئد - ششماهه ۷۰ کرون سوئد
دیگر کشورها: یکساله ۱۸۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۰۰ کرون سوئد
بها برای موسسات دو برابر قیمت‌های فوق است.
تمام قیمت‌ها با محاسبه هزینه پستی است.

فرم آبونمان

مایلم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. یکساله شش ماهه
لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

فرم پر شده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید.

W.T.
توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت
P.O.Box 241412 L.A., CA 90024
دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند.
USA

بمناسبت تصویب قانون کار رژیم اسلامی

مروری بر مبارزات نه ساله کارگران حول قانون کار

رضا مقدم

به این اعتبار در "باب اجاره" نوشته شود. منتظری هم در دیدار با این هیئت، بر نوشتن قانون کار در "باب اجاره" مهر تأیید گذاشت و عده‌ای از دستیاران خویش و مدرسین حوزه علمیه قم را مامور همکاری با این هیئت کرد. قانون کار صد در صد اسلامی دستبخت این آقایان پس از تصویب در هیئت دولت به مجلس رفت و همزمان بصورت علنی هم منتشر شد. تا اینجا همه سردمداران رژیم با این قانون کار اسلامی موافق بودند. توکلی وزیر کار وقت نیز اعلام کرد، این قانون صد در صد اسلامی است و هر کس با آن مخالفت کند ملحد و کمونیست است.

رژیم اسلامی پنداشت دستگیریهایی وسیع و کشتارهای دسته جمعی، جنبش کارگری را چنان از پا انداخته است که می شود هر شرایطی را به آن تحمیل کرد. اما برخلاف انتظار رژیم، انتشار پیش نویس قانون کار اسلامی طبقه کارگر را تکان داد. اعتراضات کارگران علیه قانون کار اسلامی بسرعت گسترش یافت و حتی کارگاههای کوچک را نیز در بر گرفت. باز خواست و مواخذه سران رژیم در میجام عمومی کارگری و امضای طومار از جمله اشکال عمده این اعتراضات بود.

کارگران بدون اینکه حول یک قانون کار آلترناتیو با هم متحد باشند، در اعتراضات گسترده خویش خواهان لغو قانون کار اسلامی و تهیه و تدوین یک قانون کار با نظارت و مشارکت خود شدند. در اوج گیری این اعتراضات در پائیز سال ۶۱، دفاتر خمینی و منتظری طی اطلاعیههایی دخالت خود را در تهیه قانون کار اسلامی رسماً انکار و تکذیب کردند. سپس تعداد سران رژیم که منکر سهم و نقش خود در تهیه، تدوین و دفاع از قانون کار اسلامی بودند، افزایش یافت و تا آنجا پیش رفت که عده‌ای از سران رژیم علناً با آن به مخالفت برخاستند. اینها بسرعت راهی کارخانجات شدند تا استدلالات همقطاران خود را در دفاع از صد در صد اسلامی بودن قانون کار، پس بگیرند و از قضا نشان دهند که اسلام طرفدار کارگران است. این روشی بود تا خشم کارگران را فرو بنشانند و کل رژیم و خود اسلام را از زیر ضرب کارگران خارج سازند.

رژیم که از تابستان سال ۶۰ کلیه شوراها حتی شوراهای وابسته بخود را نیز منحل کرده بود، فوراً دست بکار ساختن شوراهای اسلامی شد تا از طریق آنها اعتراضات کارگران علیه قانون کار اسلامی را مهار و منحرف کند. شوراهای اسلامی انتقادات نهم بندی به پاره‌ای از مواد پیش نویس قانون کار کردند تا مبارزات کارگران که کل پیش نویس را هدف قرار داده بود، منحرف کنند. رژیم برای آرام کردن کارگران وانمود ساخت که گوش شنوا دارد و انتقاداتی به قانون کار اسلامی را در نشریات شدت تحت سانسور خود، درج کرد.

حزب توده و فدائیان خلق اکثریت که هنوز با فضاخت کامل از درگاه رژیم اسلامی رانده نشده بودند، تمام تلاش خویش را بکار گرفتند تا اعتراضات کارگران از چهارچوب قانون اساسی خارج نشود، اساساً یک جناح از رژیم را مورد حمله قرار دهد و دامنگیر کل حاکمیت نکرده. ضمن آنکه دائماً به کارگران هشدار دادند مواظب تحریکات "ضد انقلاب" باشند.

سازمان مجاهدین خلق نگران شد که حمله کارگران به قانون کار اسلامی دیگر چندان چیزی از اسلام باقی نگذارد. هدف سازمان مجاهدین در مبارزه کارگران علیه اولین پیش نویس قانون کار اسلامی اساساً نجات اسلام از زیر حملات کارگران بود. اینها کوشش خود را بر اثبات غیر اسلامی بودن قانون کار گذاشتند. در ابتدا هر قدر سران رژیم از اسلامی بودن قانون کار بیشتر دفاع کردند، سازمان مجاهدین بر "خمینی‌ای" بودن آن تاکید بیشتری گذاشت. سازمان مجاهدین بالاخره هنگامیکه بخشی از

اسلامی آشکارا علیه کارگران چنگ و دندان نشان می داد به حساب بی‌اطلاعی مسئولان رژیم از وضع کارگران یا به حساب مخالفت یا بعضی از تند رویهای شوراها گذاشته می شد. اینها مانع شدند تا کارگران دشمنی و مخالفت رژیم تازه به قدرت رسیده اسلامی را با شوراها و اقدامات آنها ببینند.

بنابراین در شرایطی که کل سرمایه و رژیم اسلامی حامی آن در برابر کارگران موقعیت ضعیفی داشت، کارگران پرتزی خویش را تثبیت و تحکیم نکردند و به آن قانونیت ندادند. اما رژیم اسلامی که موفق شده بود با سرکوب گام به گام شوراها و با اخراج و دستگیری تدریجی

خود این شوراها تصمیم می گرفتند و آنرا اجرا می کردند (نظیر ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته) اما قدرت کارگران و شوراهای کارگری اساساً محدود به چهار دیواری کارخانه

MAHMO
010291



بود، سراسری و متحد نبود و رهبری واحدی نداشت. مناسبات میان کارگران و سرمایه‌داران را عملاً درجه توازن قوا بین انقلاب و رژیم اسلامی، تعیین می کرد. رژیم توان ایستادگی در مقابل شوراهای کارگری و اقدامات آنها را نداشت. اما توهم به پیروزی انقلاب که بر اذهان کارگران حاکم بود، عجز رژیم را در برخورد به جنبش کارگری، اساساً به حساب موافقت او با اقدامات شوراهای کارگری می گذاشت. آنجا که رژیم

برای بهبود تدریجی اوضاع را به یک امر طبیعی میل کرده بود و این بهانه‌های رژیم اسلامی را در نظر کارگران مجموعاً "منطقی" جلوه می داد. در آن دوران مسائلی چند کارگران را از طرح یک قانون کار سراسری، تحمیلش به رژیم اسلامی و قانونیت دادن به آن، باز داشت. قانون کاری که بسیاری از مواد آن عملاً در کارخانجات به اجرا در آمده بود. کارگران دارای شوراهای پر قدرتی بودند. درباره مسائل کارگران اساساً

را به رژیم چشاندند و وادارش کردند تا چندین پیش نویس قانون کار خود را پس بگیرد. وسعت شرکت کارگران در اعتراض به پیش نویس قانون کارهای متعددی که رژیم اسلامی ارائه کرد، در همه این سالها یکسان نبود. هر پیش نویس قانون کار که ضدیت آشکارتری با منافع کارگران داشت، کارگران بیشتری را به میدان اعتراض علیه آن کشید. مسئله قانون کار در این مدت گاه به مهمترین مسئله و مشغله روز کارگران تبدیل شد و گاه به حاشیه رفت. اما در مجموع یکی از مهمترین عرصه‌های رو در روی آشکار جنبش کارگری ایران با رژیم اسلامی بود. در طی این هفت سال روزنامه‌های رژیم اسلامی مطالب بسیاری درباره قانون کار منتشر کردند و سران و ارگانهای مختلف رژیم نتوانستند از اظهار نظر درباره پیش نویسهای متعدد آن خودداری کنند. اظهار نظرهای پشت صند و نقیض که ناشی از وجود شکاف در میان سران و دست‌اندرکاران رژیم در برخورد به قانون کار و جنبش کارگری بود.

کارگران ایران از همان اواخر دوران شاه و بخصوص از ماههای دی و بهمن سال ۵۷ همراه با اعتصابات و اعتراضات خود بکرات خواستار لغو قانون کار شاهنشاهی و تدوین یک قانون کار انقلابی با مشارکت و نظارت نمایندگان خویش بودند. بعد از قیام ۵۷ نیز بارها بر این خواست خود تاکید کردند. در آن دوران رژیم تازه پا گرفته اسلامی تحت بهانه‌های مختلف، و از جمله "مسائل و گرفتاریهای" ناشی از انقلاب، به خواست کارگران تن نداد و کوچکترین تغییری در قانون کار شاهنشاهی بعمل نیاورد. توهم کارگران نسبت به پیروزی انقلاب سیاست صبر و انتظار برای بهبود تدریجی اوضاع را به یک امر طبیعی میل کرده بود و این بهانه‌های رژیم اسلامی را در نظر کارگران مجموعاً "منطقی" جلوه می داد.

در آن دوران مسائلی چند کارگران را از طرح یک قانون کار سراسری، تحمیلش به رژیم اسلامی و قانونیت دادن به آن، باز داشت. قانون کاری که بسیاری از مواد آن عملاً در کارخانجات به اجرا در آمده بود. کارگران دارای شوراهای پر قدرتی بودند. درباره مسائل کارگران اساساً

بالاخره قانون کار رژیم اسلامی پس از ۹ سال تصویب شد و از قرار از اول سال ۷۰ به اجرا در خواهد آمد. طبقه کارگر ایران طی نه سال مبارزه با رژیم اسلامی حول قانون کار فرصت یافت که بر سر یک مجموعه از مطالبات مشخص کارگری با طبقه سرمایه‌دار وارد یک مبارزه رو در رو گردد. مبارزه‌ای آشکارا طبقاتی که نتایج آن برای دوره‌ای و به نوعی رابطه کارگران را بمثابة یک طبقه با طبقه سرمایه‌دار تعیین کرد. مبارزه حول قانون کار بحث بر سر مطالبات کارگری را تا اعماق طبقه کارگر رسوخ داد. مطالباتی که خواستهای مبارزات کارگری در محدوده یک کارخانه، تنها بخش کوچکی از آن بود. این مبارزه، بخش وسیعی از کارگران را از اندیشه به مطالبات و شرایط کار کارخانه‌ای که در آن کار می کردند، بدر آورد و این افق را در مقابل آنها گشود تا به مطالبات و شرایط کار کل طبقه خود در مقابل کل سرمایه داران هم توجه کنند. کارگران را علاوه بر سهم خود و کارگران کارخانه خود، نسبت به سهم کل طبقه کارگر از انبوه ثروتی که تولید می کنند، به تمیق واداشت. مبارزه حول قانون کار، کارگرانی را که تا قبل از آن تنها در موقعیت تعیین خواستهای محدود یک اعتصاب و یک مبارزه مین بودند، در موقعیتی گذاشت تا بمثابة رهبران و پیشروان طبقه کارگر، مطالبات اساسی کارگران را به مثابه یک طبقه بیان کنند. از این نظر کمک کرد تا منافع قسمتی و رشته‌ای برای دوره‌ای هم که شده جای مناسب خود را نسبت به کل منافع طبقه کارگر پیدا کند. این مبارزه درک این امر را که کارگران یک طبقه‌اند، در مقابل سرمایه‌داران هم سرنوشت هستند، و تنها با نیروی سراسری خویش می توانند خواستهای خود را به رژیم اسلامی تحمیل کنند، تقویت کرد. مبارزه حول قانون کار جنب و جوشی در میان کارگران ایجاد کرد که نشانه‌های آشکاری از تأمل و تفکر کارگران روی مطالبات عمومی و طبقاتی خویش بود.

مبارزه حول قانون کار از پائیز سال ۶۱ که اعتراضات کارگران به اولین پیش نویس قانون کار اسلامی اوج گرفت، دوران پر فراز و نشیبی را طی کرد. کارگران در مبارزه بر سر قانون کار چندین بار مژه تلخ شکست

۲۵٪ تخفیف برای مشترکین کارگر امروز

مشترکین میتوانند کتاب "کار ارزان، کارگر خاموش" را با ۲۵٪ تخفیف (بازهزینه پست معادل ۶۰ کرون سوئد) از مرکز آپونمان نشریه دریافت کنند.



"کار ارزان، کارگر خاموش" میزگرد بررسی طرح قانون کار جمهوری اسلامی

شرکت کنندگان در میزگرد: ایرج آذرین، حمیدقلوبی، ناصر جاوید، منصور حکمت، شهاب دانشفر، رضا مقدم، مصطفی صابر

انتشارات سامان - مهرماه ۶۹ - ۳۲۰ صفحه

"کار ارزان، کارگر خاموش" متن مباحثات میزگردی است که طی ماههای گذشته چندین بار از صدای حزب کمونیست ایران پخش شده است. "کار ارزان، کارگر خاموش" نقد کوبنده‌ای از طرح قانون کار جمهوری اسلامی است و ماهیت ارتجاعی این رژیم را در برخورد به طبقه کارگر پرورشی بنمایش میگذارد. از مجموعه مباحثات "کار ارزان، کارگر خاموش" یک انتقاد سوسه‌پاشی از مناسبات کار و سرمایه، و مطالبات سوسه‌پاشی برای اصلاحات فوری در وضعیت طبقه کارگر در ایران بدست داده میشود.

بها معادل ۸۰ کرون سوئد (شامل هزینه پست)

مراکز فروش کارگر امروز

Collets International 128-131 Charing Cross Rd London WC2H 0EQ	انگلستان	Wagram Ch. de Gauville-Etoile Paris	کبوسک فرانسه
Frejgatan 62 113 31 Stockholm Tel: 08-300195	سوئد	George V 99 Ave Champs-Elysees Paris	کبوسک
Bokhandeln Roda Rummet Drottning gatan 100 111 60 Stockholm Tel: 08-114210		Karl Winter OHG Buchhandlung Landesgerichts atr. 20	اتریش - وین
Sanir Live och Video S-Kungsgatan 8 80262 Gävle		Karlsplatz Passage Lokal 14	
Roda Stjärnan Ystadsgatan 15 214 24 Malmö Tel: 040-920340		U2 Station Mariahilfer str. Zeitschriftenledern	
Spara Liner Stortorget 21 Malmö		Flohmarkt: Jeden Samstag	
I.F.R. Davidhällsgatan 23 211 45 Malmö Tel: 040-119230		Zambon-Verlag Leipzig str. 24 6000 Frankfurt 90 Tel: 779223	آلمان
Roda Stjärnan Bokhandel Fjärde Långgatan 8 B Göteborg		Heinrich-Heine Buchhandlung Schluter str. 1 2000 Hamburg 13	
Saluhallen Kungälv Skollevend Delikatess Göteborg		Buchladen Oster str. 156 2000 Hamburg 20	
Roda Rummet Bokhandel Storgatan 15 Göteborg		Das Arabische Buch Buchhandlung Knebeck str. 16 D-1000 Berlin 12 Tel: 030-3138021	

افزایش دستمزد و کاهش ارزش ریال:

قربانی کردن کارگران در پیشگاه سرمایه

بقیه از صفحه ۱

سرانجام در اوائل بهمن ماه ریال ارز شناور اعلام گردید. و بلافاصله ارزش رسمی ریال در قبال دلار، از ۱۱ تومان به حدود ۱۴۰ تومان رسید. بنابراین در برابر کاهش تقریباً ۱۳۵۰ درصدی ارزش رسمی پول کشور در قبال ارزهای خارجی، حداقل دستمزد کارگران قرار است که با دو ماه تاخیر تنها ۶۷ درصد افزایش یابد.

گذشته بطور مستمر و فاحشی کاهش یافته است. کاهش ارزش ریال دقیقاً در خدمت سیاستهای اقتصادی دولت است: ۱ - جلب سرمایه گذاری خارجی و وامهای خارجی. ۲ - بالا بردن درآمدهای دولتی بمنظور گسترش زیر ساخت اقتصادی کشور. ۳ - ترغیب بخش خصوصی به سرمایه گذاری در رشتههای تولیدی بجای فعالیت تجاری. تلاشهای دولت که برای راهاندازی اقتصاد با شکست روبرو شده بود می رود تا با سیاست شناخته شده کاهش ارزش پول و به قیمت کاهش شدیدتر سطح معیشت کارگران و زحمتکشان تحقق پذیرد.

خواهد داشت و این سرمایههای داخلی را هر چه بیشتر به سمت تولید سوق خواهد داد. بعلاوه اگر تا قبل از کاهش ارزش ریال سرمایههای خارجی بابت حداقل دستمزد روزانه کارگر ایران باید چیزی حدود نه دلار می پرداختند حال - حتی با احتساب ۶۷ درصد افزایش دستمزد از اول سال ۷۰ - چیزی حدود ۱۳ دلار خواهد پرداخت. کارگر ایرانی بدون حق اعتصاب و حق تشکل و با نیروی کاری تقریباً مجانی دست و پا بسته در پیشگاه سرمایه قربانی می شود. شرمناک باد.

بقیه از صفحه ۱ بنا به این خبر، در دومین هفته اعتصاب، روز ۱۹ دیماه نمایندهای از وزارت کار به اجتماع اعتصابیون پالایشگاه تهران آمد و از کارگران خواست با معرفی نماینده خود، دست از اعتصاب بردارند و به مقامات فرصت بدهند تا به خواستههای آنان رسیدگی کنند.

وزیر نفت یا وزیر کار در اجتماع خود شدند. این گزارش حاکی است، در روز ۲۲ دی ماه فردی از طرف وزارت اطلاعات در اجتماع کارگران پالایشگاه تهران حاضر شد و با اشاره به بحرانی بودن منطقه خلیج فارس، کارگران را تهدید کرد که "از امروز مسئولیت امنیت پالایشگاه را ما پهنده می گیریم و شما با ما طرف هستید" و افزود "صلاح مملکت ایست که شما به اعتصابات پایان دهید". وی در پایان مجدداً خواستار مهلت دادن به دولت برای رسیدگی به خواستها شد.

سران رژیوم در غیر اسلامی بودن قانون کار اسلامی یا آنها همصدا شدند، آرام گرفت و پس از آن حرف چندانی درباره قانون کار نزد به این ترتیب اولین پیش نویس قانون کار اسلامی در مقابل اعتراضات کارگری دوام نیاورد. رژیوم اسلامی ناچار شد آنرا در همان سال ۶۱ پس بگیرد. توکلی وزیر کار وقت که هنوز از اعتراضات کارگری بر علیه کل پیش نویس درسای لازم را نگرفته بود، اصلاحاتی جزئی در آن وارد کرد و در اسفند ماه ۶۱ نزد خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت) و تعداد دیگری از سران رژیوم اسلامی برد. اما خامنه‌ای و دیگری که مورد مشورت توکلی قرار گرفتند به او فهماندند، دیگر نه جای او در راس وزارت کار است و نه می توان دچار توجیم شد که این پیش نویس را ولو با اصلاحاتی که در آن وارد شده است، به کارگران تحمیل کرد. تنها پس گرفتن پیش نویس قانون کار نمی توانست خشم کارگران را فرو نشاند، وزیر کار هم باید در مقابل طبقه کارگر قربانی می شد. توکلی جای خود را به سرحدی زاده داد.

شدند تا انتقادات نیم بند آنها به پیش نویس قانون کار، بحساب "مشارکت کارگران در تهیه و تدوین قانون کار" گذاشته شود. از این دوره، رژیوم شوراهای اسلامی را فعالانه به خدمت گرفت. آنها را سازمان داد و آماده کرد تا با کمک امکانات و ارگانهای تبلیغاتی که در اختیارشان می گذارد، جزء مکمل ابزارهای رژیوم اسلامی در مهار و سرکوب جنبش کارگری گردند. رژیوم همزمان با انتشار دومین پیش نویس، سیاست خود را در برخورد به نظرات و اعتراضات کارگری علیه قانون کار اسلامی بیان داشت. این مسئله قبل از هر چیز نشان داد که رژیوم بر خلاف دوره قبل، انتظار اعتراضات کارگری را علیه دومین پیش نویس دارد و غافلگیر نخواهد شد. رژیوم بر خلاف دوره قبل، از پیش نویس خود، تمام و کمال دفاع نکرد. خود او از ابتدا به "پاره‌های کمبوجا و نواقص" در پیش نویس اعتراف کرد و خواهان اظهار نظر کارگران برای اصلاح آن شد. هدف رژیوم اسلامی تحمیل کل پیش نویس به کارگران و قبول پاره‌های اصلاحات در چهارچوب آن بود. تحقق این هدف ایجاد تفرقه در جنبش اعتراضی علیه قانون کار اسلامی را ضروری می ساخت.

اختلاف مجلس و شورای نگهبان تصویب نهایی لایحه کار را با بن بست روبرو ساخت. لذا لایحه کار به "هیئت تشخیص مصلحت" که خمینی تعیین کرده بود، واگذار شد. اما این هیئت نیز از تصویب یا رد لایحه کار سر باز زد و دوباره آنرا به توافق شورای نگهبان و مجلس احاله داد. کمیسیون کار مجلس در جلسه با عضو از شورای نگهبان حول تغییراتی در لایحه کار به توافق رسیدند. لایحه کار حاصله به جلسه علنی مجلس برده شد و به تصویب رسید. اما شورای نگهبان، در میان ناپاوری نمایندگان مجلس و شوراهای اسلامی که کار را تمام شده می دانستند، باز لایحه کار را مغایر با قانون اساسی و اسلام دانست و آنرا تصویب نکرد. لذا تصویب نهایی این لایحه بعد از مرگ خمینی مجدداً به "شورای تشخیص مصلحت" احاله شد. قانون کار رژیوم اسلامی که توسط شورای تشخیص مصلحت به تصویب نهایی رسید و برای اجرا به دولت واگذار شده است، در آخرین مراحل تصویب این چنین دست به دست شد.

کردند تا با دشواری کمتری بتوانند در مقابل فعالیت ناشی از آن که مبارزه علیه کل لایحه کار بود، مقاومت و ایستادگی کنند. از نظر گرایش چپ و رادیکال به رسمیت شناخته نشدن حق اعتصاب و حق تشکل در لایحه کار کافی بود تا آنرا ضد کارگری بدانند. اما از نظر گرایش راست اینها "کمبوجایی" بود که نمی توانست مانع فعالیت برای تصویب کل آن باشد. لذا گرایش راست در تبلیغات خود مواضع ازتجای شورای نگهبان را چنان برجسته کرد تا انتقاد به محتوای خود لایحه کار به حاشیه رانده شود. هدف این تبلیغات القا این مسئله به کارگران بود که تصویب لایحه کار یعنی پیروزی و موفقیت.

کارگری است. قانون کار رژیوم اسلامی به نسبت اولین پیش نویس آن، به نفع کارگران تغییراتی کرد. همه این تغییرات حاصل مبارزه کارگران و عقب راندن کامل به کام رژیوم اسلامی از مواضع اولیه‌اش بود. اما این تغییرات یحدی نبود که ضد کارگری بودن قانون کار را از بین ببرد. بنابراین قانون کار رژیوم اسلامی به هیچ وجه آن قانونی نیست که طبقه کارگر ایران بتواند آنرا در یک جامعه سرمایه‌داری ببذیرد. گرایش چپ و رادیکال جنبش کارگری این قانون کار را برسمیت نمی شناسد. آنرا نزد کارگران افشا می سازد و در مقابل، مطالبات یک قانون کار دموکراتیک را تبلیغ و ترویج می کند.

مبارزه بر علیه دومین پیش نویس قانون کار اسلامی که در بهار سال ۶۳ منتشر شد در شرایط متفاوتی جریان یافت. دومین پیش نویس بر خلاف قبلی بر اساس فقه اسلامی نوشته نشده بود اما همچنان نام اسلامی را با خود یدک می کشید. هنوز ضد کارگری بود اما نسبت به پیش نویس قبلی تغییراتی کرده بود. بعلاوه در سیاست رژیوم در برخورد به مبارزه حول قانون کار و کلا جنبش کارگری تغییراتی مشاهده شد و آن یقینی بود که شوراهای اسلامی در این فاصله پیدا کرده بودند.

این راستاء، رژیوم اسلامی تلاش کرد آن بخش از جنبش کارگری که علیه کل پیش نویس بود را از بخش دیگری که بدنبال پاره‌های اصلاحات بود، جدا کند، منزوی سازد و تحت عناوین و بهانه‌های مختلف سرکوب کند. کاری که در مبارزه حول اولین پیش نویس موفق به آن نشده بود. انتقاد شوراهای اسلامی به پاره‌ای از بندهای قانون کار، تلاشی بود که اگر نه کاملاً، بلکه در مجموع، آنها را سخنگوی علنی گرایش اصلاح طلب کند و گرایش رادیکال را که مخالف کل پیش نویس بود، منزوی سازد. دفاع پاره‌ای از باندها و جناحهای رژیوم از پیش نویس، به شوراهای اسلامی کمک کرد تا با ابراز برخی مخالفت‌ها چهره "ظاهر الصلاح" و "مبارزه جویانه‌ای" به خود بگیرند.

لایحه کار تغییراتی را در صفوف مبارزه کارگران حول قانون کار بوجود آورد. با انتشار اولین پیش نویس قانون کار اسلامی، کارگران در مبارزه علیه کل آن متحد شدند. کارگران قاطعانه خواهان لغو آن بودند، بدون اینکه حول یک طرح قانون کار آلترناتیو متحد باشند. اعتراضات کارگران رژیوم را ناچار از پذیرش تغییراتی در پیش نویسی متعدد قانون کار کرد. عقب نشینهای رژیوم به مزور بخشهای از جنبش کارگری را از صف یک مبارزه قاطعانه علیه کل پیش نویس قانون کار جدا ساخت. این همان هدفی بود که رژیوم بدنبال آن بود. یعنی تحمیل کل پیش نویس به کارگران و پذیرش اصلاحاتی در آن. بدین ترتیب در قبال لایحه کار در جنبش کارگری اساساً سه موضع کاملاً متمایز شکل گرفت.

۱ - گرایش راست. گرایش راست با سردمداری شوراهای اسلامی به لایحه کار رضی بود و برای تصویب آن فعالیت کرد. اینها آن بخش از جنبش کارگری که انتقادات خود به لایحه کار را آنقدر اساسی ندانست که به صف مبارزه علیه کل آن بپیوندد، زیر پروبال خود گرفتند. با این حال فشار و نیروی گرایش چپ و رادیکال جنبش کارگری مانع از آن شد تا گرایش راست بتواند از لایحه کار تماماً دفاع کند. گرایش راست در انتقاد به لایحه کار حتی بعضاً با گرایش چپ همصدا شد تا از دشواری توجیه فعالیت خود برای تصویب لایحه کار بکاهد. انتقادات شوراهای اسلامی به لایحه کار و بطور مثال دفاع جناب کمالی، هنگامیکه نماینده مجلس بود (وزیر کار فعلی)، از آزادی اعتصاب و ممنوعیت اخراج کارگران توسط سرمایه‌داران، در همین راستا بود. اینها انتقادات گرایش چپ به لایحه کار را بعضاً منعکس و بیان

اجرای قانون کار رژیوم اسلامی تأثیرات متفاوتی بر شرایط کار و زندگی کارگران می گذارد. برای بخشهایی، بویژه کارگرانی که در کارگاههای کوچک کار می کنند، منافعی دربردارد. در نظر بسیاری از اینها حتی همینکه قانونی بر روابطشان با کارفرماها حاکم باشد "نعمتی" است. در صورتیکه به حق و حقوق بخشهایی از کارگران چیز محسوسی نمی‌افزاید و از آنچه هم اکنون کارگران بسیاری از بخشهای صنعتی تر و پیشرفته تر دارند کمتر است. گرایش چپ و رادیکال جنبش کارگری قاطعانه خواستار اجرای فوری و بدون کم و کاست آن موادی از قانون کار است که در شرایط فعلی برای کارگران و یا بخشهایی از کارگران گامی به جلو است. در این راه و در تقابل با روشهای گرایش راست و شوراهای اسلامی، اتکا به بسیج و سازماندهی اعتراض مستقیم کارگری موثرترین شیوه است. ضمن آنکه مثلاً برسمیت شناخته شدن تعیین حداقل دستمزد بر اساس معیشت یک خانواده پنج نفری در قانون کار دست کارگران چپ و رادیکال را در بسیج و سازماندهی توده کارگر برای اجرای کامل آن باز می گذارد و به حرکتشان قانوناً مشروعیت می بخشد.

کارگران امروز

کارگران دفتر "دیلی نیوز" را اشغال کردند

سوم ژانویه در ترکیه

از زمان اعلام فراخوان به اعتصاب عمومی تا سوم ژانویه دولت به تهدید کارگران و تمام قوانین ضد کارگری ترکیه متوسل شد تا از اعتصاب عمومی جلوگیری کند. روز دوم ژانویه دولت ترکیه طی یک بیانیه رسمی اعتصاب عمومی را مغایر قانون اساسی و قانون کار ترکیه اعلام داشت و کارگران را تهدید کرد که چنانچه به دعوت به اعتصاب عمومی پاسخ مثبت دهند قرارداد کار آنها فسخ می گردد و بدون غرامت اخراج خواهند شد. "جمیل چیچک" وزیر کشور ترکیه در مصاحبه‌ای با بخش ترکی رادیو "بی بی سی" گفت، اعتصاب عمومی بر اساس قانون اساسی و قانون کار غیرقانونی است. وی افزود، این قانون را ما تصویب نکرده‌ایم. خود "ترک ایش" در تصویب آن، در دورانی که مدافع حکومت بود، شریک است.

مرکز خبری کارگزاران امروز: روز دوم ژانویه، ۱۰ نفر از کارگران اعتصابی "دیلی نیوز" دفتر این روزنامه را در "بروکلین" نیویورک اشغال کردند. به گزارش نشریه "لیبرنتز" چاپ آمریکا، اشغال دفتر روزنامه بمنظور جلب افکار عمومی و تحت فشار گذاشتن صاحب روزنامه برای مذاکره صورت گرفت. یکساعت پس از اشغال دفتر، رادیو غیر را منتشر ساخت و مدیریت بلافاصله پلیس را خبر کرد. ۸۰ پلیس به همراه سه وانت در محل حاضر شدند. پس از ۳ ساعت مذاکره اعتصابیون که حاضر

بریتانیا، سال ۱۹۹۱ و دو میلیون بیکار

۱۰۰۰ کارگر در ۵ کارخانه این کمپانی در لندن بیکار خواهند شد. کمپانی "آلومینیوم آلکان بریتانیا" به دلیل بسته شدن یک کارخانه در لندن ۲۵۴ کارگر بیکار می شوند. در بخش بانکها، ۲۰۰۰۰ نفر در معرض بیکاری قرار دارند. در بخش صنایع مهندسی، ۸۰ تا ۱۰۰ هزار نفر به دلیل رکود کار ساختمانی بیکار خواهند شد. به گفته "تی یو سی"، حتی آمارهای که با خوش بینی تعداد بیکاران را برآورد می کند نشان می دهد که تا آخر سال جاری تعداد بیکاران بریتانیا به ۲/۲۵ میلیون نفر خواهد رسید. □

مرکز خبری کارگزاران امروز: به گفته اتحادیه‌ها، تا آخر سال جاری تعداد بیکاران بریتانیا به ۲ میلیون نفر خواهد رسید. علت این بیکارسازیها کمبود احتمالی نفت و مواد سوختی ذکر شده است. بنا به گزارش روزنامه "ایندیپندنت" برخی از بیکارسازیها در صنایع مختلف به قرار زیر خواهد بود: کمپانی اتومبیل سازی "پژو-تالیوت" - ۳۳۵ شغل در شهر "کاونتری" از بین خواهد رفت. و ۳۰۰۰ نفر به دلیل بسته شدن احتمالی کارخانه "ریتون" در خطر اخراج هستند. کمپانی "فورد" - تا آخر ماه مارس،

به ترک محل نشده بودند دستگیر شدند و زمانیکه کارگران با دستبند توسط پلیس خارج می شدند با حمایت مردم در صف پیکت روبرو شدند. از روز ۲۵ اکتبر، ۲۵۰۰ کارگر مشکل در ۹ اتحادیه در اعتراض به اخراج نیمی از همکاران شان و بر علیه مدیریت موسسه روزنامه "دیلی نیوز" در اعتصاب پسر می برند. مدیریت بجای کارگران اخراجی ۱۳۰۰ کارگر غیر اتحادیه‌ای استخدام کرده است. اعتصاب "دیلی نیوز" وسیعاً مورد حمایت بخش‌های دیگر کارگران قرار گرفته و خرید این روزنامه وسیعاً تحریم شده است. □

معدنچیان آلمان علیه طرح بازنشستگی

"زاربوکن" بعنوان اعتراض به طرح دولت کار را تعطیل کردند و دست به تظاهرات زدند. قبلاً نیز در روز ۴ ژانویه بیست هزار معدنچی در شهر "کلن" در اعتراض به این طرح تظاهرات کردند. طرح بازنشستگی دولت شامل ۲۵۰ هزار معدنچی و شاغل در صنایع معادن آلمان می شد. بدنبال اعتراضات سازمان یافته معدنچیان، دولت فعلاً طرح مزبور را پس گرفته است. □

مرکز خبری کارگزاران امروز: روز ۷ ژانویه، معدنچیان منطقه "روهر" در اعتراض به طرح بازنشستگی دولت که بطور متوسط از حقوق معدنچیان ماهانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ مارک کسر می کرد دست به اعتراض و تظاهرات زدند. به گزارش "بیزنس بهزادی" گزارشگر کارگزاران امروز از آلمان، ۲۵ هزار معدنچی در شهرهای "هام" و

مراسم سالگرد قتل کارگر اعتصابی فورد

اعتصاب کارگران پست شرق آلمان

در ماه ژانویه، کارگران پست در شرق آلمان با مطالبه افزایش دستمزد به نسبت نرخ تورم و برابری دستمزد با کارگران غرب آلمان به مدت چند ساعت اعتصاب کردند. بدنبال این اعتصاب مذاکراتی که بین اتحادیه اکثر ۱۴۰۰۰ عضو اتحادیه کارگران اتومبیل سازی در سوگ همکارشان توارهای سیاه بستند. و در آمریکا نیز کارگران اتومبیل سازی بعنوان همبستگی مراسمی برگزار کردند. □

آمریکا، در این روز علیرغم حضور پلیس مسلح و ضد شورش، ۱۰۰۰ کارگر در مقابل کارخانه فورد در شهر مکزیکو تجمع کردند. در کانادا، اکثر ۱۴۰۰۰ عضو اتحادیه کارگران اتومبیل سازی در سوگ همکارشان توارهای سیاه بستند. و در آمریکا نیز کارگران اتومبیل سازی بعنوان همبستگی مراسمی برگزار کردند. □

مرکز خبری کارگزاران امروز: روز ۸ ژانویه برای یادبود کارگر اعتصابی فورد، "کتو تیگنو" که در سال گذشته توسط نیروهای نظامی دولت مکزیک به گلوله بسته شد، کارگران اتومبیل سازی فورد آمریکا، کانادا و مکزیک مراسم یادبود برگزار کردند. به گزارش نشریه "لیبرنتز" چاپ

افزایش دستمزد معدنچیان اعتصابی آلبانی

شهرهای صنعتی از جمله "الباسان" و "شکودرا" دست به شورش های خیابانی زدند. بنا به این گزارش، سانسور حاکم بر مطبوعات این کشور اجازه انعکاس این اخبار را نداد اما گفته می شود که درگیریهای وسیعی بین مردم و نیروهای نظامی رخ داده و حتی دولت تانک هایش را به سراغ مردم معترض فرستاده است. این گزارش حاکی است، در اواسط

مرکز خبری کارگزاران امروز: رهبران حزب حاکم در آلبانی اعلام کردند که برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتصابات کارگری، با ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش دستمزد معدنچیان اعتصابی موافقت کرده‌اند. به گزارش نشریه "ورکرز ادوکیٹ" چاپ آمریکا، در اوائل دسامبر که تظاهرات کارگری در اعتراض به وضعیت اقتصادی و بیکاری روزافزون در این کشور اوج گرفت، کارگران در

فرانسه، اعتراض علیه اخراج یک کارگر

مرخصی در ۱۸ دسامبر اخراج کرد و بلافاصله کارگران بعنوان اعتراض دست به کم کاری زدند. رئیس پرسنل ناچار شد تا با کارگران گفتگو کند اما این گفتگو نتیجه‌ای نداد. اتحادیه‌های "ث.ژ.ت" و "ث.اف.د.ت" فراخوان توقف کار را دادند که این توقف کار با استقبال کارگران روبرو شد و مدیریت را وادار کرد که کارگر اخراجی را به سرکار بازگرداند. □

مرکز خبری کارگزاران امروز: کارگران یکی از کارخانه‌های "استنکا" تولید کننده موتور هواپیما، در اعتراض به اخراج همکارشان دست به کم کاری زدند و بدین ترتیب توانستند کارگر اخراجی را مجدداً به سر کار بازگردانند. به گزارش نشریه "لوت اووریه" چاپ فرانسه، مدیریت این کارخانه کارگر مذکور را بعلت تاخیر در ارائه برگه

ماه دسامبر، دولت اعلام کرد که ۱۵۰ نفر به جرم شورش دستگیر شدند که تاکنون ۱۸ نفر از آنها محاکمه و حتی بعضاً به ۱۲ سال زندان محکوم شده‌اند. بنا به گزارش مذکور، اعتصاب معدنچیان نیز در ادامه این اعتراضات آغاز شد. به گزارش خبرگزاری رسمی یوگسلاوی، "تنچوگ"، در اواخر ماه ژانویه، اولین اتحادیه مستقل کارگری در آلبانی تشکیل شد. □

پیروزی اعتصاب کارگران کمپانی "دلتا پراید" آمریکا

این گزارش حاکی است که یکی از مطالبات کارگران یعنی نامحدود شدن "تنفس برای رفتن به دستشویی" به نتیجه نرسید. مدیریت که تعداد تنفس ها را به ۶ بار در هفته محدود کرده است تنها پذیرفت که یک وقت تنفس برای کارگرانی که در شیفت های ده ساعته کار می کنند اضافه شود! بنا به قرارداد جدید ۷۵ نفر از کارگرانی که در طول اعتصاب اخراج شدند از سوم ژانویه به سر کار بازگشتند و ۳۰ نفر دیگر نیز در طی چند هفته مجدداً استخدام خواهند شد. به گزارش نشریه "میلیتنت" چاپ انگلستان، در طی اعتصاب، کارگران در صفوف پیکت مورد حمله و تیراندازی پلیس قرار گرفته و دستگیر شده‌اند و در بعضی موارد کارگران دستگیر شده بشدت کتک خورده‌اند. اعتصاب کارگران "دلتا پراید" به گفته ناظرین بزرگترین اعتصاب کارگران سیاهپوست در تاریخ جنبش کارگری "می سی سی پی" است. کارگران که این اعتصاب را یک پیروزی می دانند در مورد اعتصاب گفتند: "ما اکنون می توانیم با سرهای افراشته به سر کار باز گردیم". □

ایندولا مرکز خبری کارگزاران امروز: روز ۱۵ دسامبر، پس از سه ماه اعتصاب، کارگران عضو اتحادیه "مواد غذایی و بازرگانی" در "ایندولولا"، با اکثریت آرا به اعتصابشان بر علیه کمپانی "دلتا پراید" بزرگترین تولید کننده کنسرو ماهی در آمریکا خاتمه دادند. کارگران با این اعتصاب موفق شدند دستمزدها را که ۴ دلار در ساعت بود به میزان ۶۵ تا ۸۵ سنت افزایش دهند. به گزارش نشریه "لیبرنتز" چاپ آمریکا، این اعتصاب به پیروزی بزرگی برای کارگران این کمپانی در بر داشت عمدتاً بر سر دستمزد، رفتار تحقیرآمیز با کارگران زن و بهداشت و صدمات ناشی از کار آغاز شد، و سرعت مورد حمایت جنبش کارگری آمریکا قرار گرفت. علاوه بر افزایش دستمزد، کارگران اعتصابی موفق شدند تا کمیته‌ای متشکل از کارگران و مدیریت برای رسیدگی به مسائل بهداشت و ایمنی محیط کار تشکیل دهند و نمایندگان اتحادیه نیز به حق دسترسی کامل به دفاتر حسابداری کارخانه دست یافتند.

اعتصاب عمومی و تظاهرات برای افزایش دستمزد در مراکش

با سنگ و چوب به بانکها، هتل‌های لوکس، مغازه‌ها و مراکز پلیس حمله کردند و ساختمانها را به آتش کشیدند. دولت بلافاصله ارتش را به خیابانها ریخت و آنها با به گلوله بستن مردم، ۱۰۰ نفر را به قتل رساندند. فقر مردم مراکش تحت سیاست ریاضت کشی اقتصادی دولت و صندوق بین المللی پول هر روز تشدید می شود. اخیراً نیز با آغاز بحران

مرکز خبری کارگزاران امروز: روز ۱۴ دسامبر، با فراخوان اتحادیه‌های کارگری مراکش، کارگران با خواست ۱۰۰ درصد افزایش حداقل دستمزد دست به یک اعتصاب عمومی زدند. به گزارش نشریه "ورکرز ادوکیٹ" چاپ آمریکا، همزمان با اعتصاب عمومی هزاران نفر از مردم به خیابانها ریختند و در اعتراض به دولت و فقر موجود در کشور دست به تظاهرات و اعتراض زدند. در شهر "فض" مردم

افزایش دستمزد کارگران "رولز رویس"

۷ هزار کارگر اتومبیل سازی کارخانه "رولز رویس" متعلق به کمپانی "ارو اسپیس" طی یک رای گیری با پیشنهاد ۵ درصد افزایش دستمزد در ۶ ماه اول قرارداد سالانه و ۴ درصد در ۶ ماه دوم موافقت کردند. علت پذیرش این پیشنهاد از سوی کارگران، که یکی از پایین ترین پیشنهادات بر سر افزایش دستمزد در صنعت اتومبیل سازی بریتانیاست، احتمال بیکارسازی وسیع در این صنعت است. □

رومانی، اخراج ۲۰۰ هزار کارگر

اوائل ماه ژانویه، سخنگوی دولت رومانی اعلام کرد که دولت بمنظور اجرای برنامه‌ای برای صرفه‌جویی در مصرف مواد خام و انرژی، ۲۰۰ هزار معدنچی و کارگر فلزکار را در سراسر کشور اخراج خواهد کرد. □

بیکاری یک هفته‌ای ۶۵ هزار کارگر

کمپانی اتومبیل سازی ایتالیایی فیات اعلام کرد بدلیل کاهش تقاضا در اروپا در ماه آینده بیش از نیمی از کارگران خود را که شامل ۶۵ هزار نفر از مجموع ۱۱۷ هزار کارگر این کمپانی را بمدت یک هفته بیکار خواهد کرد. قبلاً نیز در طی سه ماه آخر سال ۱۹۹۰، فیات بمدت یکماه ۵ کارخانه‌اش را تعطیل کرد. □

کارگزار امروز

محمود کارا کوچ دبیر اول سندیکای "اتومبیل-ایش" ترکیه در مصاحبه با کارگر امروز:

ماز ابتدا مخالف جنگ و قرار گرفتن ترکیه

در راستای منافع امپریالیسم آمریکا بوده ایم

کارگرمروز: اعتصاب شما از کی آغاز شده و چند کارگر در اعتصابند؟ محمود کارا کوچ: اعتصاب از ۲۶ دسامبر شروع شد و در ۲۷ و ۲۸ دسامبر و سوم ژانویه هم بخشهای دیگری به اعتصاب پیوستند. هم اکنون بیش از ۳۰ هزار کارگر از ۸۸ واحد کار در اعتصابند.

ک.ا: کدام بخش از کارگران اتحادیه متال به اعتصاب پیوسته اند؟

م.ک: بجز سندیکای ما، کارگران سندیکاهای "تورک متال"، "توزدمیر ایش" و "چلیک ایش" در صنایع تولیدات معدنی (ام.ای.اس) همزمان دست به اعتصاب زدند.

ک.ا: آیا مذاکراتتان با سندیکای صاحبان صنایع نتایج مثبتی داشته است؟

م.ک: چه قبل و بعد از اعتصاب مذاکراتی با آنها داشته ایم اما نتیجه ای

نداشته است.

ک.ا: جنگ در خلیج فارس تمامی مسائل این دوره را تحت الشعاع قرار داده است. نظراتان راجع به این جنگ چیست؟

م.ک: به نظر ما صلح تنها کلمه قابل اتکاست. چنانچه در خاورمیانه جرقه ای زده شود تاوان آنرا ترکیه هم پس خواهد داد. بدین علت ما از ابتدا مخالف جنگ و قرار گرفتن ترکیه در راستای منافع امپریالیسم آمریکا بودیم و الیترناتیو خود را ارائه دادیم. ما هنوز هم در این راستا به فعالیت خود ادامه می دهیم و مخالف شرکت ترکیه در این جنگ هستیم.

ک.ا: معدنچیان زونقولدای اعتصاب خود را با اعتراضات خیابانی آغاز کردند و ادامه می دهند. آیا شما نیز از چنین شیوهایی استفاده می کنید؟

م.ک: ما از آغاز اعتصاب تاکنون به اعتراضات خیابانی دست نزده ایم. بین ما و معدنچیان زونقولدای یک تفاوت اساسی وجود دارد و آن اینکه تمام مراکز کار وابسته به "سندیکای عمومی معادن زونقولدای" در یک منطقه قرار دارند. در حالی که مراکز وابسته به سندیکای ما در مناطق و بخشهای مختلف پراکنده اند. ما از این امتیاز زونقولدای برخوردار نیستیم.

ک.ا: موفقیت معدنچیان زونقولدای چه تاثیری در مبارزات کنونی شما می تواند داشته باشد؟

م.ک: قطعا تاثیر مثبتی در جو عمومی بوجود می آورد.

ک.ا: آیا شما نیز همانند معدنچیان زونقولدای مورد حمایت کارگران کشورهای دیگر قرار گرفته اید؟

م.ک: برای ما نیز از طرف سندیکاها و تشکلهای کارگری دیگر کشورها پیام همبستگی ارسال می شود. ک.ا: در رابطه با اعتصابات چه انتظاری از کارگران کشورهای دیگر دارید؟

م.ک: با توجه به وضع مالی سندیکاها، انتظار داریم که کارگران سایر کشورها از لحاظ مالی و معنوی از ما حمایت کنند.

ک.ا: در خاتمه چه پیامی برای کارگران سایر کشورها دارید؟

م.ک: تنها راه پیروزی مبارزات کارگران اتحاد و همبستگی بین المللی این طبقه است. بدین لحاظ ما حمایت خود را از آنها اعلام کرده ایم و انتظار حمایت متقابل داریم. □

این مصاحبه تلفنی توسط رضا شهرستانی گزارشگر کارگرمروز در شانزدهم ژانویه انجام شده است

راهپیمائی معدنچیان زونقولدای از آغاز تا پایان

یک روز پس از اعتصاب عمومی یکروزه کارگران ترکیه، قریب ۲۰ هزار معدنچی زونقولدای همراه خانوادههای خود از روز جمعه چهارم ژانویه راهپیمایی ۲۵۰ کیلومتری خود را به طرف آنکارا آغاز کردند. آنها که از ۳۰ نوامبر علیه دستمزدهای "بخور و نمیر" و محدود کردن حقوق دمکراتیک دست به اعتصاب زدند حال خواستار برکناری رژیم تورگوت اوزال شده اند. رژیم ترکیه، که در چند ماهه اخیر با بزرگترین اعتصابات و اعتراضات کارگری پس از کودتای نظامی خونین سپتامبر ۸۰ مواجه شده، ارتش و پلیس را بحال آماده باش در آورده است تا از راهپیمایی معدنچیان جلوگیری کند. اما حتی توقیف وسائل نقلیه معدنچیان توسط ارتش نیز مانع آنها نشد. معدنچیان پای پیاده و در هوایی زیر صفر به راهپیمایی خود ادامه دادند و در شهرهای سر راه مورد حمایت وسیع مردم قرار گرفتند. شعارهایی که طی اعتصاب هر روزه در خیابانهای زونقولدای فریاد زده می شد با ممانعت ارتش از ادامه راهپیمایی کارگران در جادههای اصلی بین شهری در جادههای فرعی کوهستانی ظنین انداز شده است. "کاخ ریاست جمهوری به قبر اوزال تبدیل می شود"، "جنگ خلیج نه"، "جنگ معدنچیان با اوزال است"، "مرگ هست اما بازگشت نیست".



معدنچیان قصد داشتند از زونقولدای با اتوبوس به آنکارا بروند و در آنجا دست به تظاهرات بزنند. اما ارتش روز پنجشنبه با بستن اتوبانی که استانبول را به "اژمت" متصل می کند مانع رسیدن بیش از هزار اتوبوس اعزامی به زونقولدای شد. ارتش دستور داشت که اجازه ندهد حتی یک پرند به زونقولدای برود. تنها کسانی حق ورود به زونقولدای را داشتند که دارای جواز عبور از طرف پارلمان و یا کارت خبرنگاری بودند.

صبح جمعه "شمسی دنیزار" رهبر اتحادیه معدنچیان که می داند حتی یک اتوبوس به زونقولدای نرسیده است خطاب به معدنچیان که روی سنگرسی خیاباها نشسته و منتظر یک اشاره اند می گوید: "آنها اتوبوسهای ما را توقیف کرده اند. بنابراین ما پای پیاده به طرف آنکارا راهپیمایی می کنیم. من جلوی صف براه می افتم." زونقولدای می لرزد. یک شهر با صدای بلند فریاد می زند "ما با تو تا پای مرگ می آییم".

۱۲ ساعت بعد صف ۶ کیلومتری راهپیمایان که مردم در مسیر راه دائما به آنها می پیوندند و تعدادشان به بیش از صد هزار نفر رسیده است در شهر ۱۶ هزار نفری "دورک" در هوایی زیر صفر درجه هستند. جلوی شهرداری برای خواب جا تقسیم می کنند. اتحاد مردم شکل بیسابقه و غیر قابل تصویری بخود گرفته است. دکان داران در خیابانها مجانانان و پنیر و زیتون تقسیم می کنند. بطور متوسط هر خانواده به ده تا پانزده خانواده معدنچی برای خواب جا داده است. در این شب هر اطاق گرمی

جای خوابی است برای تظاهرکنندگان، قهوهخانهها، رستورانها، سالنهای برگزاری مراسم عروسی و حتی نمازها. وقتی روز شنبه معدنچیان شهر را ترک می کنند فریاد می زنند، "ما "دورک" را هرگز فراموش نمی کنیم. چند ساعت بعد یک باریکاد نظامی، وسائط نقلیه نظامی، یک ارتش آماده، تقریبا ۵۰ نفر با مسلسل و ماشینهای آبپاش توتل "دورک" را که یک کیلومتر طول دارد، بسته اند. "گذشتن از این توتل دشوارتر از گذشتن از توتل معدن نیست". صدها زن سالخورده در محاصره ارتشیان می افتند. زنان اونیفورم نظامیان را چسبیده اند. بعضی ها گریه می کنند. نظامیان بالاخره کنار می روند.

نخست وزیر ترکیه "یلدام آق بلوت" از رهبر اتحادیه معدنچیان می خواهد که به راهپیمایی خاتمه دهد: "با چند نفر از دوستانت بیا آنکارا مذاکره کنیم." شمسی دنیزار: "من که خواه نا خواه با دوستانم دارم می آییم." روز شنبه نخست وزیر از رهبر اتحادیه تقاضای ملاقات و مذاکره می کند. قرار می شود ساعت ۱۲ ظهر همان روز در شهر "بولو" که با ماشین سه ربع ساعت با محل راهپیمایی فاصله دارد ملاقات صورت گیرد. ساعاتی بعد در حوالی "منکن" و روی جاده اروپایی "ای پنچ" مجددا یک باریکاد نظامی جلوی راهپیمایان را می گیرد. شمسی دنیزار: "باریکاد باید جمع شود. من تمایل چندانی به ملاقات با آقای نخست وزیر ندارم و همینجا می مانم." چیزی نمی گذرد که باریکاد جمع می شود و شمسی دنیزار

با یکساعت و نیم تاخیر به ملاقات نخست وزیر که نه همراه وزیر کار و امور اجتماعی بلکه همراه وزیر کشور آمده است، می رود. وزیر کشور تهدید می کند. نخست وزیر خواهان قطع فوری راهپیمایی است و وعده افزایش دستمزد نمی دهد. طرفهای غروب گفتگوها بدون نتیجه خاتمه می یابد و شمسی دنیزار نزد راهپیمایان باز می گردد.

در اثر برف و باران و سرما عدهای بیمار شده اند. قیامتی که زنان برپا می کنند به پیشنهاد بازگشت عدهای بویژه زنان به زونقولدای اجازه خودنمایی نمی دهد. معدنچیان به کرد شعله های آتش حلقه زده اند. در برنامه خبری شب اوزال مجددا معدنچیان را به بستن معادن تهدید می کند و نفت بر آتش می ریزد. راهپیمایان شنبه شب را به صبح می رسانند.

پل "دلر"، ۱۲ کیلومتر دورتر از جمعیت، معدنچیان را از جاده اصلی استانبول - آنکارا جدا می کند. یکشنبه بعدازظهر راهپیمایان تا این پل هنوز ۶ کیلومتر فاصله دارند. نظامیان که ۱۱ هزار نفرشان زاندارم هستند با سیم خاردار پل را بسته اند، با منبع های عظیم آب آنرا سد کرده اند و خود را برای جنگ آماده می سازند. تمام راهها تحت کنترل ارتش است تا کمکهای جمع آوری شده به معدنچیان نرسد. با اینحال ۱۵ هزار پتو به بچه ها و بیمارانی که شبانه با کامیون و اتوبوس به "منکن" منتقل می شوند، می رسد. دوشنبه صبح راهپیمایان به پل نزدیک می شوند. شایع است که اوزال در

حال بررسی برقراری حکومت نظامی است. احزاب اپوزیسیون از دولت می خواهند که از طریق مذاکره به این مسئله خاتمه دهد. سیل تلگرامهای اعتراضی از طرف سازمان بین المللی کار، اتحادیه بین المللی معدنچیان و سایر اتحادیه های کارگری برای آزادی بدون قید و شرط ۲۱۰ معدنچی که در طول راهپیمایی دستگیر شده اند، جاری است. خطر درگیری ارتش و معدنچیان خواب را از چشمان اوزال، که خود را درگیر جنگ در خلیج فارس هم کرده، ربوده است. اوزال عصبی و پریشان در بخش خبری شب تلویزیون ظاهر می شود: "ترکیه در جنگ شرکت نمی کند. ما فقط در صورت حمله عراق از خود دفاع می کنیم. اگر کارگران قصد انقلاب ندارند ما خواستهایشان را می دهیم." میتینگ عظیم راهپیمایان کمی دورتر از یک ارتش آرایش جنگی گرفته با بازگشت به "منکن" موافقت می کند و زونقولدای برای کمک رسانی به "منکن" تا صبح بیدار می ماند. سه شنبه صبح در هوای سرد "منکن" بحث های داغ معدنچیان جریان دارد. شمسی دنیزار به آنچه کارگران بخواهند عمل می کند. میتینگ معدنچیان به ادامه اعتصاب، مذاکره با دولت و بازگشت به زونقولدای رای می دهد.

اواخر ژانویه دولت ترکیه فرمان لغو کلیه اعتصابات و تعویق آنها به مدت یکماه را صادر می کند اما اعتصاب معدنچیان ادامه دارد. آنها با ارتش و گلوله مانع راهپیمایی ما شدند اما قادر نیستند که ما را بسر کاند باز گردانند." □

جنبش ضد جنگ گسترش می یابد

فراخوان کارگران مرشدس بنز آلمان در اشتوتگارت

کشتار را قطع کنید

کارگران آمریکا و جنبش ضد جنگ

در سنت لوئیس، کارگران اتومبیل سازی در جنبش "نیو دایرکشن" به همراه "ائتلاف فعالین اتحادیه ای سیاه" یک کمیته ضد جنگ تشکیل داده و فراخوان گردهمایی و تظاهرات دادند. در نیویورک، کمیته کارگری برای صلح متشکل از نمایندگان اتحادیه کارگران نساجی، مخابرات و ارتباطات، اتومبیل سازی و اتحادیه نویسندگان و موزیسین ها فعالیت مشترکشان را بر اساس این سه اصل آغاز کردند: ۱- این جنگ ناحق است ۲- هزینه های جنگ باید به مصرف نیازهای داخلی برسد ۳- تمام تلاشها باید در جهت حل صلح آمیز بحران خلیج (فارس) باشد. در اورگان، کارگران پست و بخش دولتی، و کارگران مخابرات به همراه موزیسین ها از مردم آمریکا خواستند که از منافع کمپانیها دفاع نکنند زیرا آنها در آمریکا اتحادیهها را می بندند و در کشورهای جهان سوم با مزد کم و شدت کار کارگران را استثمار می کنند. در کالیفرنیا، جایی که آغازگر فعالیت ضد جنگ و دخالت اتحادیهها بود، ۴ شکل مرکزی کارگران و فدراسیون کارگران بخش دولتی خواهان خروج فوری نیروهای نظامی آمریکا از خاورمیانه شدند. یکی از سخنرانان خطاب به یک کمیته کارگری علیه جنگ: "میلیونها کارگر بیکار شده اند. مزایای پزشکی و درمانی و همچنین خدمات اجتماعی هر روز کاهش می یابد. کارگران آمریکا با مشکلات عظیمی روبرو هستند. و هیچ دلیلی ندارد که ما به این جنگ فجع کشیده شویم". هم اکنون نیز تظاهرات و اعتراضات کارگری بر علیه جنگ در سراسر آمریکا ادامه دارد. □

مرکز خبری کارگراسروزی: نمایندگان ۱۱ اتحادیه بین المللی کارگری رسماً اعلام کردند که با جنگ در خاورمیانه مخالف هستند. به گزارش نشریه "لیبرتی" چاپ آمریکا، چند روز قبل از لشکرکشی اتحادیه طی یک بیانیه در روزنامه "واشنگتن پست" نوشتند که "با شروع تعرض نظامی توسط آمریکا در این مقطع مخالف هستند. این نوشته توسط نمایندگان اتحادیه کارگران ارتباطات و مخابرات، اتومبیل سازی، الکترونیک، باراندازان کشتی، نفت، نساجی و لباس دوزی، خدمات دولتی، مواد شیمیایی و اتمی، ماشینتایپ ها" امضا شده بود. نمایندگان "کارگران فلزکار، دخانیات، قنادی و نانوائی" نیز پس از چاپ اعلامیه آنها امضا کردند. موضع نمایندگان در این نوشته که در واقع جرح بوش، رئیس جمهور آمریکا را خطاب قرار می داد این بود که اجازه دهد که تحریما به نتیجه برسد. بنا به این گزارش، کارگران و اتحادیه های محلی پیشروتر خواستار بازگرداندن بلافاصله سربازان آمریکایی به کشورشان شدند. این گزارش حاکی است که بیانیه نمایندگان، بیاتر موج مخالفت ضد جنگ کارگران و اتحادیه های محلی است. یکی از مقامات اتحادیه بین المللی کارگران خدمات در مصاحبه با "لیبرتی" گفت: "طبقه کارگر یک نیروی عمده در گسترش جنبش سراسری ضد جنگ است". در سیاتل، ۵ اتحادیه محلی کارگران بخش خدمات در طی فراخوانی خواهان خروج فوری نیروهای نظامی آمریکا از خاورمیانه شدند. □

روز پنجشنبه گذشته دهها هزار تن بمب بر روی عراق و کویت ریخته شده است. آیا این همه بمب هیچ قربانی نداشته است؟ طبق تصمیم پنتاگون در اجرای سانسور اخبار جنگی، نباید خبری مربوط به کشته ها و زخمی ها نشان داده و یا پخش شود! روزنامه "بیلد" (روزنامه دست راستی و ارتجاعی)، تلویزیون و دولت و اپوزیسیون (منظور حزب سوسیال دمکرات آلمان است) ادعا می کنند که این جنگ در دفاع از حقوق خلق هاست. رئیس جمهور آمریکا، نیکسون گفت: "ما نه برای دمکراسی بلکه برای منافع خالص اقتصادی می جنگیم" و یکی از مشاورین نزدیک بوش گفت: "هر احمقی پرسیب ما را می فهمد، ما به نفت احتیاج داریم". دولت آلمان از طریق ترکیه مستقیماً در جنگ خلیج شرکت دارد ولی کارگران ترکیه و از جمله کارگران مرشدس "اتومازان" در حال اعتصاب هستند و شعارشان اینست: "ما با عراق جنگی نداریم بلکه جنگ ما با دولت خودمان است". قدرت نظامی صدام حسین توسط آمریکا و متحدانش در این منطقه نفت خیز بطور همه جانبه شکل گرفته است. مرشدس بنر بعنوان یکی از صادرکنندگان به عراق، سالیانه سه میلیارد مارک به جیب زده است. □

قطع کشتار جمعی توسط بمبارانهای آمریکا خروج بی قید و شرط نیروهای نظامی از منطقه قطع فوری حمایت جنگی دولت آلمان

فراخوان اتحادیه کارگران فلز و مطبوعات فرانکفورت آلمان

ماشین جنگی فوراً باید متوقف شود

در خلیج جنگ حاکم شده است. با وجود اعتراضات در سطح جهانی ماشین جنگی که همه ما را تهدید می کند به حرکت درآمده است. این ماشین جنگی باید فوراً متوقف شود. جنگ نباید ابزار سیاست باشد. در مقابل باید اعتراض ما آشکار و وسیعاً عمل کند. این واقعه به همه ما مربوط است و نمی توانیم بی تفاوت به آن به امور روزانه خود بپردازیم. از این رو اتحادیه فلز و اتحادیه مطبوعات در فرانکفورت از همه کارگران می خواهد که ساعت ۱۲ روز جمعه ۱۸ ژانویه کار را بخواهاند و به خانه اتحادیه بیایند. ما در نظر داریم در آنجا با تبادل اطلاعات در مورد وضعیت جنگ، با شما مشترکاً درباره کاری که می توانیم و باید در مقابل جنگ خلیج انجام دهیم، مشورت کنیم. ما به تمام کارگران صنایع فلز فراخوان می دهیم که ساعت ۱۲ همین روز در جنبش صلح در مرکز شهر حضور یابند. □

هاینس بیربام، اتحادیه فلزکاران - فرانکفورت
میشائل هندریش، اتحادیه مطبوعات - فرانکفورت

اشغال تلویزیون آلمان در اعتراض به سانسور اخبار جنگ

تعداد کشته شدگان و مجروحین خبر نمی دهید؟، "چرا در خدمت سیاست جنگی در آمده اید؟" و ده ها سوال دیگر. مجری برنامه در حالیکه صدایش می لرزد سعی داشت خونسرد پاسخ بگوید. تمام این مشاجره بطور زنده از تلویزیون پخش شد. نتیجه اینکه اکنون پیش از شروع برنامه مجریان مربوطه اعلام می کنند که منابع کسب اخبار ما تلویزیونهای آمریکاست و از اینرو اخبار از صافی سانسور گذشته و احتمال کامل نبودنش زیاد است! □

روز شنبه ۱۹ ژانویه بینندگان کانال تلویزیون آلمان شاهد برنامه بیسابقه ای بودند. در حین پخش یک برنامه زنده درباره جنگ در خلیج فارس، ناگهان عده ای با پلاکاردهای اعتراضی به این جنگ به استودیو ریختند و مجریان برنامه را زیر باران اعتراض گرفتند. "چرا همانند کانالهای تلویزیونی آمریکا از جنگ خونبار در خلیج مثل یک برنامه ورزشی که در آن خلبانان شیرینکاری می کنند تصویر نشان می دهید؟"، "چرا از خود را ترک گوید، مگر اینکه از کشور مربوطه خارج و مجدداً به آن وارد شود. این کار اگرچه برای کارگران عرب غیرممکن نیست اما برای کارگران هندی، پاکستانی و کارگران خاور دور بیچوجه مقدور نیست. این دسته از کارگران می باید از طریق آژانس اقدام به مهاجرت کنند که کفیلی نیز برای آنها می یابد و البته هنوز پایشان به کشور مقصد نرسیده باید حقوق ۶ ماه خود را به آژانس مزبور بپردازند. کارگر مهاجر در پایان قرارداد کار باید روانه کشورش شود، حتی کارگران فلسطینی که گاه تا ۴۰ سال متلا در کویت بسر برده اند و دیگر جایی برای رفتن و گذراندن باقی عمر ندارند. مقررات برای کراهی ها و فلیپینی ها متفاوت است: خود بنگاهی که با دولت کشور مقصد قرارداد کار منعقد کرده است کارگران را وارد کشور می کند و در اردوگاههای دهها هزار نفری اسکان می دهد. اردوگاه "شامیا" در کویت هشتاد هزار و اردوگاه "جیل علی" در دومی هشتاد و هفت هزار کارگر را بدین شکل اسکان دادند. این اردوگاهها به شیوه ای کاملاً نظامی اداره می شوند. کارگران

کارگران فلزکار و اتحادیه مطبوعات و رسانه های جمعی برای شرکت در تظاهرات و میتینگ های ضد جنگ فراخوان مستقل صادر کردند. در فرانسه کنفدراسیون کارگری "ث.ژ.ت.ت." وابسته به حزب کمونیست فرانسه، از سازماندهان اصلی جنبش ضد جنگ است، و در آمریکا نیز تشکلهای کارگری مکان خود را در جنبش ضد جنگ می یابند. به گزارش روزنامه "ایندیپندنت" لندن، در مراکش که ۱۵۰۰ سرباز برای شرکت در نیروهای متحدین آمریکا به عربستان اعزام کرده است، روز ۲۸ ژانویه در کازابلانکا و چند شهر دیگر به فراخوان سه اتحادیه کارگری اعتصاب شد. □

زده شد. روز ۱۷ ژانویه با اعلام خبر حمله هوایی آمریکا به عراق کارگران فلزکار "هانزا متال ورک" در اشتوتگارت کار را خواباندند و با پلاکاردهای "جنگ خلیج (فارس) را متوقف کنید، برای نفت نباید خون ریخته شود" در محوطه جلوی کارخانه تجمع کردند که در نتیجه ترافیک متوقف شد. روز ۱۸ ژانویه ۹۰۰ کارگر فولاد "مانس مان" در شهر "سولین گن" اعتصاب اضطراری کردند و در شهر به تظاهرات پرداختند. ۲۵ ژانویه بیش از ۲۰۰۰ کارگر کارخانه "فا.د.او" در فرانکفورت علیه جنگ راهپیمایی کردند. اتحادیه های کارگری آلمان، از جمله اتحادیه سراسری کارگران و همچنین اتحادیه

کارگران مهاجر خلیج فارس

فراموش شدگان

در دهه ۶۰ و پس از استقلال امیر نشین های حاشیه خلیج (فارس)، بهره برداری از منابع نفتی این مناطق پول فراوانی روانه آنجا کرد و توسعه اقتصادی را بدنبال آورد که هر روز نیروی کار بیشتری را، با هر درجه ای از تخصص، می طلبید. این نیروی کار که در خود این کشورها وجود نداشت در درجه اول از کشورهای عرب تامین می شد. اولین مهاجرین فلسطینی ها بودند، و بزرگترین مهاجرت آنان پس از جنگ شش روزه در سال ۶۷ صورت گرفت. در حال حاضر ۶۰۰ هزار فلسطینی در کشورهای عربی کناره خلیج (فارس) بسر می برند که بیش از نیمی از آنها تا قبل از اشغال کویت ساکن این کشورها بودند. مصری ها در درجه بعد قرار دارند. مهاجرت از مصر از سال ۷۱ شروع شد و در سال ۷۳ به اوج خود

تایلندی ها و چینی ها هم به آنها اضافه شده اند. خلاصه اینکه در طول بیست ساله اخیر مجموعاً بیش از ده میلیون کارگر برای کار به منطقه خلیج (فارس) روی آورده اند و تا پیش از وقایع اخیر جمعیت ثابتی حدود پنج میلیون نفر در کشورهای عربستان سعودی، عراق، و کویت مشغول بکار بوده اند. در قطر و امارات متحده عربی مهاجرین هفتاد تا هشتاد و پنج درصد کل جمعیت را تشکیل می دهند. بیشتر کارگران مهاجر که با قراردادهای خشک و غیرقابل تغییری مشغول به کار می شوند بیش از چند سال در این کشورها دوام نمی آورند. بجز در عراق که کارگران عرب اجازه ورود و خروج و تعویض کارفرمای خود را دارند و در عربستان سعودی که این حق را برای یمنی ها برسمیت می شناسند، کسانی که قصد مهاجرت به کشورهای حاشیه خلیج (فارس) را دارند قبل از هر چیز باید "ضامنی" که خودش و اجدادش اهل محل بوده باشند، پیدا کنند. این ضامن را کفیل می نامند. تنها کفیل می تواند با کارفرما وارد مذاکره شود و کارگر نه می تواند کارفرمای خود را عوض کند و نه کفیل

خود را ترک گوید، مگر اینکه از کشور مربوطه خارج و مجدداً به آن وارد شود. این کار اگرچه برای کارگران عرب غیرممکن نیست اما برای کارگران هندی، پاکستانی و کارگران خاور دور بیچوجه مقدور نیست. این دسته از کارگران می باید از طریق آژانس اقدام به مهاجرت کنند که کفیلی نیز برای آنها می یابد و البته هنوز پایشان به کشور مقصد نرسیده باید حقوق ۶ ماه خود را به آژانس مزبور بپردازند. کارگر مهاجر در پایان قرارداد کار باید روانه کشورش شود، حتی کارگران فلسطینی که گاه تا ۴۰ سال متلا در کویت بسر برده اند و دیگر جایی برای رفتن و گذراندن باقی عمر ندارند. مقررات برای کراهی ها و فلیپینی ها متفاوت است: خود بنگاهی که با دولت کشور مقصد قرارداد کار منعقد کرده است کارگران را وارد کشور می کند و در اردوگاههای دهها هزار نفری اسکان می دهد. اردوگاه "شامیا" در کویت هشتاد هزار و اردوگاه "جیل علی" در دومی هشتاد و هفت هزار کارگر را بدین شکل اسکان دادند. این اردوگاهها به شیوه ای کاملاً نظامی اداره می شوند. کارگران

تلخیص شده از: هفتنامه فرانسوی "لوت اووریه" (مبارزه کارگری)

در جنگ رسانه‌ها با وجدان عمومی کدام طرف پیروز میشود؟

ایرج آذرین

در هیچ جنگی تا این حد رسانه‌ها نقش نداشته‌اند. می‌گویند گزارش‌های تلویزیونی در گسترش جنبش ضد جنگ ویتنام سهمی داشته‌اند، و پیداست که اینبار دولتها دستکم از این تجربه ویتنام درس گرفته‌اند. گرچه سانسور دولت آمریکا و متحدانش بر خبر رسانی از این جنگ شدیدتر است، اما، بحکم آنچه "عصر انفورماتیک" نام گرفته، نقش رسانه‌ها و بخصوص تلویزیونهای ماهواره‌ای در این جنگ بیسابقه است. نه بمنزله گزارشگر رویدادها، بلکه بمنزله شکل دهنده افکار عمومی، در حقیقت بمنزله یک طرف درگیر در جنگ، بمنزله نوکران دولتها و ارشدهای کشورگشا. در عمل "سی.ان.ان." هزار بار مهمتر از "یو.ان." است. پرز دوکوته یار، که این جنگ ظاهرا بنا به تصمیم اجلاس سازمانی که او دبیر کل آنست باید مشروعیت بیابد، وقتی که از خواب برمی‌خیزد و تلویزیون را روشن می‌کند از شروع جنگ مطلع می‌شود. تعریف ژورنالیسم معاصر تماما رساندن اطلاعات است، و در این جنگ نیز الحق که رسانه‌ها، با گزارشات زنده و لحظه به لحظه، مرتبا به ما اطلاعات جدید می‌دهند. اکنون همه می‌دانیم که غفلت از تشخیص سکوی ثابت و متحرک موشکهای اسکاد چه عواقبی دارد. همه می‌دانیم که "پاتریوت" چگونه کار می‌کند، که "کروز" را می‌توان از زیر دریائی به خشکی شلیک کرد، و حضور اف - ۱۱۷، علیرغم هیبت هیولائی اش، چه نعمتی است. آری، به یمن رسانه‌ها هر پیهنده‌ای در مورد این جنگ صاحب نظر شده است، طوری که می‌تواند در هر لحظه از روز یا شب تلویزیون را روشن کند و پیش بینی دپیروز خود را با آخرین تحولات بسنجد و سیر جنگ فردا را بنویسد خود حدس بزند. از مهبوب ترین میدان آزمایش تسلیحاتی در تاریخ بشر، سایه خاکستری بیروح و دو بعدی‌ای را نشانمان می‌دهند. یکرشته اصطلاحات دهان پرکن اما توخالی، یکرشته آشنایی با جزئیات بدرد نظور تسلیحاتی، یک سری

فرمولبندیهای ناهنجار که با تکرار مداوم می‌خواهند بدیهی جلوه کنند، قرار است تصور واحدی از این جنگ را در اذهان عموم حک کنند. متخصصین، تحلیلگران سیاسی، و ژنرالهای بازنشسته در فواصل گزارشات مستقیم تلویزیونی ظاهر می‌شوند و پیهنده را از بصیرت خود محظوظ می‌کنند. و چه بسا که با یکدیگر اختلاف نظر هم دارند. پیهنده مختار است انتخاب کند، گزارشات عینی را دیده و نظرات متفاوت متخصصین مختلف را نیز شنیده. اما مهم نیست که شما از میان شقوقی که در اختیاران می‌گذارند کدام را انتخاب

بودن را برای افکار عمومی ایجاد کنید. مساله فقط این نیست که رسانه‌ها جنگ هولناکی را بدل به یک سرگرمی تلویزیونی، یک "تی.وی. گیم"، کرده‌اند. مساله اینجاست که با این لایه ضمیمه اطلاعاتی که بر مغز و بر وجدان پیهنده می‌کشند، صورت مساله این جنگ را تغییر داده‌اند. اطلاعات مبتذلی که با التهاب "گزارش زنده و مستقیم" به خورد پیهنندگان می‌دهند وظیفه دارد تا فرصت تأمل بر این جنگ را از مردم بگیرد، موضوع مکالمات مردم درباره جنگ را تعیین کند، و حتی سوژه فکر کردن و جهت

بلا می‌زند. این یعنی بطور متوسط یک عملیات بمباران هوایی در هر چهل ثانیه. رسانه‌ها به ما اطمینان می‌دهند که این عملیات اکثرا "بدون هیچ تلفاتی" بوده است. منظورشان، واضح است، بدون تلفات برای آمریکا. بمباران را از بلندی، از آسمان، از دید خلبان نشان ما می‌دهند. اما پاران پمپایی که فرو می‌ریزد از پائین چگونه بنظر می‌آید؟ دوربین هایشان هیچگاه همسطح زمین، کنار قربانیان، نیست. تصورش دشوار نیست. قدرت تخریب پمپایی که در یک روز بر سر مردم عراق می‌ریزد دو برابر قدرت تخریب پمپ اتمی هیروشیماست. هیروشیمای را ضربدر سی کنید؛ نتیجه دو هفته جنگ. قریب دو بیست سال پیش "کلزویتس" برای اولین بار نوشت که هر جنگی امتداد یک سیاست است که به طرق دیگری دنبال می‌شود. این جنگ ادامه سیاست دولت آمریکا برای تأمین موقعیت برتر خود در نظم نوین دنیای بعد از جنگ سرد است. "پیر سالیتر"، از مقامات عالیرتبه آمریکا در دوران جاسون، فاش کرده است که در کمتر از یک هفته پس از اشغال کویت، دولتهای عراق، مصر و عربستان بر راه حل واحدی توافق می‌کنند. دولت کویت نیز رضایت می‌دهد. سالیتر فاش کرده است که چرخ بوش با ملک فهد و حسنی مبارک تماس می‌گیرد و آنها را وادار می‌کند که توافقشان را پس بگیرند. مساله اینست که دولت آمریکا به خلق یک بحران بین‌المللی احتیاج داشت، و اگر کویت نیز اشغال شده بود، حادثه‌ای نظیر اشغال کویت را باید اختراع می‌کرد. پس از سقوط بلوک شوروی نفوذ جهانی آمریکا نیز می‌رفت تا همراه با نقش باتو پایان بگیرد. در نظم نوین جهانی که پس از جنگ سرد شکل می‌گیرد، در برابر غولهای اقتصادی ای همچون ژاپن و آلمان، نقش آمریکا تنها می‌تواند متناسب با موقعیت تضعیف شده اقتصادی آن، یعنی یک نقش درجه دوم باشد. از اینرو تلاش آمریکا اینست که نظم نوین جهانی را به نیروی نظامی خود طوری رقم زند که مکان ممتازش را علیرغم ضعف اقتصادی اش همچنان حفظ کند.



کنند، بهرحال بازنده این جنگ شمایید. چرا که مهم آن اطلاعاتی نیست که در اختیاران می‌گذارند، مهم آن واقعیاتی است که ناگفته می‌ماند. نقش رسانه‌ها اینست که با بمباران اطلاعاتی هدف گیری شده‌ای که حشمت تنها با رکورد پمپایی ریخته بر عراق قابل مقایسه است، توهم مطلع

اعمالمان را در رابطه با این جنگ به ما تحمل کند. واقعیات مربوط به ریشه‌های سیاسی جنگ، و حتی ابعاد انسانی جنگ، زیر آوار تبلیغات رسانه‌ها دفن می‌شود. رکورد تعداد ماموریت های انجام شده هواپیماهای آمریکا و متحدینش ظرف دو هفته از سی هزار پرواز هم

اتحادیه‌های کارگری فرانسه و جنگ در خلیج فارس

چند سازمان بزرگ فرانسه از جمله "اس.او.اس. راسیسم" و بزرگترین اتحادیه کشور "ث.ژ.ت." در اعتراض به جنگ و برای صلح بپاخاسته‌اند. آنها ضمن محکوم ساختن عدول عراق از حقوق بین‌المللی مردم، خواهان خروج سربازان فرانسوی از منطقه هستند. دومین اتحادیه کشور اظهار می‌دارد که این تنها "صدام حسین" است که مسئولیت درگیری مسلحانه و عوارض دردناک انسانی ناشی از آن را بعهده می‌انجامد. بعد از تهاجم عراق به کویت، فرانسه نقش میانجیگر را در خلیج فارس ایفا می‌کرد. اکنون فرانسه با ۱۲ هزار سرباز در جنگ علیه عراق شرکت کرده است. افکار عمومی فرانسه مطابق نظر سنجیهای مختلف تغییر کرده است. یک هفته پیش از آغاز جنگ اکثریت مردم فرانسه می‌گفتند که حاضر نیستند به خاطر کویت بمیرند. اما بنا به نظر سنجی‌های بعد از ۱۷ ژانویه اکثریت مردم در حمایت از دخالت فرانسه در جنگ موضع گرفته‌اند.

ففاق در اتحادیه در بین سازمانهای اتحادیه‌ای نیز، بر سر اینکه فرانسه کدام خط مشی را باید پیش بگیرد، ففاق افتاده است. روز پانزده ژانویه نمایندگان از دو اتحادیه بزرگ کشور ساعتی را در سفارت عراق در پاریس سپری کردند. افراد بلند پایه‌ای از "ث.اف.د.ت." که در کنار حزب سوسیالیست ایستاده، و همچنین "ث.اف.ت.ت." با تمایلات کاتولیکی، آخرین تلاش خود را برای آنکه بحران خلیج فارس از طریق دیپلماتیک حل و فصل شود، بخرج دادند. آنها براین نظر بودند که تنها عراق است که می‌تواند مانع یک جنگ شود. اما جوانی که گرفتند این بود که الحاق کویت به عراق مساله قابل بحثی نیست. "ماری - هلن کوه" سخنگوی "ث.اف.ت.ت." می‌گوید: - ما مخالف جنگ هستیم. اما در عین حال مخالف پاسفیستهای فرانسه هستیم، چرا که نمی‌توانیم بپذیریم صدام حسین به حقوق بین‌المللی تجاوز کند. اکنون ما در پشت سر سربازانی هستیم که در جنگ شرکت می‌کنند.

یکی دیگر از اتحادیه‌های بزرگی که کاربرد خشونت نظامی علیه عراق را درست می‌داند، "فورس اوریر" است. این سه معتقدند که این تقصیر عراق و نه هیچ کس دیگری است که اکنون جنگ در خلیج فارس جریان دارد. اما "ث.ژ.ت." که رابطه کاملا نزدیکی با حزب کمونیست فرانسه دارد، در موضعی کاملا متفاوت ایستاده و معتقد است که فرانسه باید بی درنگ نیروهایش را از خلیج فارس بپرون بکشد. "هنری شوه" از "ث.ژ.ت." که مسئول ترتیب دادن اقدامات اعتراضی برای صلح در همکاری با سایر سازمانهاست می‌گوید: "ث.ژ.ت." علیه سنت پاسفیسستی است. ما با قطعیت در جنبش مقاومت در زمان جنگ دوم جهانی شرکت کردیم، اما اوضاع آرزمان را نمی‌توان با حالا مقایسه کرد. "ث.ژ.ت." همچنین تهاجم عراق به کویت را محکوم می‌کند، اما بر این نظر است که تمام راههای دیپلماتیک برای دستیابی به یک راه حل صلح آمیز پیموده شده است. فرانسه درست قبل از شروع جنگ،

به آخرین تلاش برای راه حل صلح آمیز در شورای امنیت سازمان ملل دست زد. پیشنهاد او از جمله شامل این بود که طبق خواست عراق یک کنفرانس بین‌المللی در پاره "مساله فلسطین" تشکیل شود. اما این پیشنهاد توسط آمریکا و انگلیس رد شد. "هنری شوه" می‌گوید که فرانسه نظر موافق ۳۰ کشور را با خود داشت، و چالب توجه است که دو کشور توانستند پیشنهاد مذکور را رد کنند. آمریکا چه می‌خواهد؟ "ث.ژ.ت." مقاصد واقعی آمریکا در خلیج فارس را مورد سوال قرار می‌دهد و معتقد است که آزاد سازی کویت بسادگی بهانه‌ای است که آمریکا موقعیت نظامی و اقتصادی خود را در منطقه تقویت کند. "ث.ژ.ت." همچنین بر این نظر است که بایست تلاش کرد تا از طریق یک بایکوت بین‌المللی عراق را به عقب نشینی وادار کرد. "هنری شوه" می‌گوید: یک جنگ همیشه عواقب بسیاری در بر دارد. یک جنگ همیشه غیر قابل قبول است و انسانهای بیگناه را قربانی می‌کند. او همچنین اعلام می‌کند در ۱۲ ژانویه در یک اجتماع اعتراضی عظیم در پاریس ۳۰۰ هزار نفر شرکت کردند (روزنامه‌ها چند ده هزار نفر اعلام کردند). "ث.ژ.ت." همچنین در روز آغاز جنگ در بسیاری از اجتماعات

از نظر دولت آمریکا جنگ با عراق میدانی است که هم به کشورهای منطقه و هم به متحدین اروپائی و آسیائی باید نشان دهد که تغییر ناگزیر جغرافیای سیاسی خاورمیانه نیز تنها می‌تواند مطابق با سیاست آمریکا دیکته شود. امپریالیسم، سوی مفهوم اقتصادی و سیاسی آن، از لحاظ لغوی به معنای کشورگشایی یا نیروی نظامی است. جنگ آمریکا با عراق از هر لحاظ نموده بارز یک جنگ امپریالیستی در تاریخ معاصر است. چنانچه آمریکا اجازه یابد این جنگ را تا کسب پیروزی ادامه دهد، فرهنگ اجتماعی و سیاسی جهان یک فقرای تاریخی تمام عیار را طی خواهد کرد. ظواهر تمدن به کناری خواهد رفت و منطق زور، منطق رسمی نظم نوین جهان خواهد شد. تعابیر عتیق "جهان مسیحیت" و "جهان اسلام"، و همراه آن فرهنگ چنگهای صلیبی، دوباره از هر دوسو زنده خواهد شد. جهان از هر طرف یکسره به تقابل پوک قومگرایی، "قوم یهود" و "قوم عرب" و نظایر اینها، به تشکیک انسانها به "چشم آبی" و "کله سیاه" سقوط خواهد کرد. بطور خلاصه، نتیجه پیروزی آمریکا برای جهان احیای یک فرهنگ قرون وسطایی، گریز فوق صنعتی، یک "قرون وسطای انفورماتیک" خواهد بود. رسانه‌ها از هم اکنون گوشه‌هایی از این آینده را پیش رویمان گرفته‌اند. پیشک تبلیغات رسانه‌ها تا حدود زیادی توانسته است افکار عمومی را شکل دهد. اما نمی‌تواند و نتوانسته‌اند وجدانها را تماما خواب کنند. اعتراضات و تظاهرات ضد جنگ در پنج قاره جهان بحرکت درآمده است. یک جنبش جهانی ضد جنگ هم اکنون وجود دارد. برآستی که این جنبش ضد جنگ اکنون تنها امید جهان برای متوقف کردن فاجعه‌ای است که آمریکا و متحدینش خلق کرده‌اند. اما تمام مساله اینست که آیا جنبش ضد جنگ خواهد توانست بسرعت آن اندازه نیرو جمع کند که دولت آمریکا و متحدانش را به تغییر سیاست وادارند؟ سیاست اعلام شده آمریکا اجتناب از تبدیل این جنگ به یک ویتنام دیگر، و به فرجام رساندن هرچه سریعتر این جنگ است. واقعیت مهمتر، ابعاد عظیم مصائب انسانی هر روز و هر لحظه از ادامه این جنگ است. اینها باعث می‌شود که هیچکس نتواند با چشم انداز دراز مدت موقعیت جنبش ضد جنگ دلخوش باشد. جنگ را باید فوراً متوقف کرد، و جنبش ضد جنگ به نیروی هر تک نفر احتیاج فوری دارد.

طلوع خونین نظم نوین جهانی

جنگ آمریکا در خاور میانه

منصور حکمت

نوشته زیر ترجمه و تلخیصی است از مقاله‌ای به همین نام که در بخش انگلیسی این شماره به چاپ رسیده است.

نظم نوین جهانی

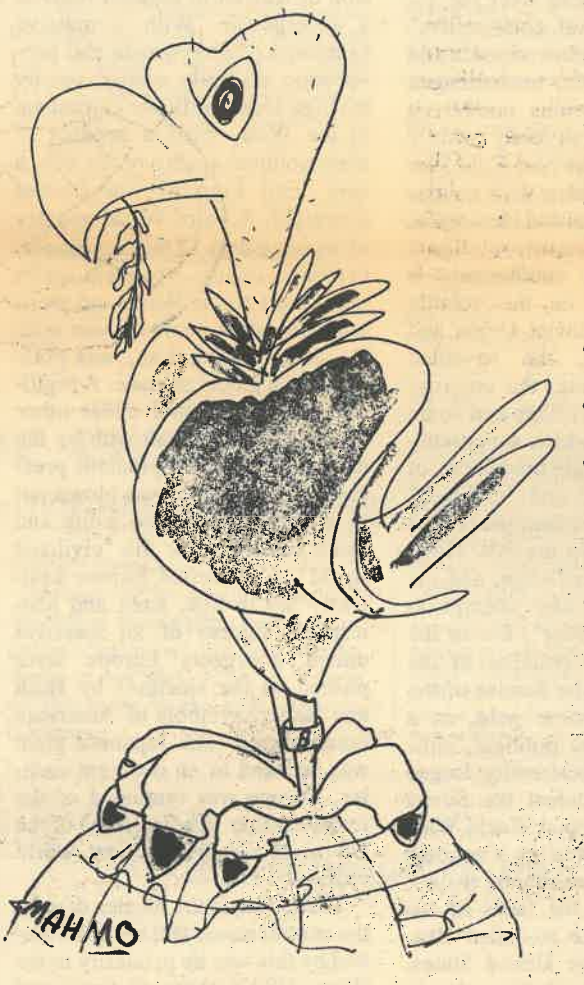
حسین مینی بر ایجاد "پیوند" (میان عاقبت کویت با حل مساله فلسطین) جستجو کرد.

درگیری امروز در خلیج صرفا یکی از جلوه‌های تضادها و ابهامات موجود در مناسبات بین‌المللی پس از جنگ سرد است. با سقوط بلوک شوروی در نیمه دوم دهه هشتاد، ساختار پیشین قدرت در سطح بین‌المللی نیز، که بر تقابل نظامی، سیاسی و بدرجه کمتری اقتصادی، دو بلوک غرب و شرق مبتنی بود، فرو ریخت. در حالی که رسانه‌های جمعی و مفسرین سیاسی در غرب آنچه را که سقوط کمونیسم می‌نامیدند جشن می‌گرفتند و آینده‌های مشخون از صلح و صفا تحت سلطه بلامنازع بازار پر افتخار را وعده می‌دادند، برای هر ناظر هوشیار مسلم بود که دنیای پس از جنگ سرد مملو از تقابل‌ها و تنشهای جدی اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی خواهد بود. تفسیرهای سیاسی در غرب معمولا به مسائلی نظیر وضعیت بی ثبات و متحول در شوروی و اروپای شرقی، شکاف شمال و جنوب، محیط زیست، کشمکشهای منطقه‌ای و نظایر اینها خیره میشوند. مسائلی که ظاهرا در خارج مرزهای غرب "متمدن" و "دموکراتیک" ریشه دارند. اینها قطعا بخشی از معضلات دهه ۹۰ را تشکیل میدهند. اما مضاف اصلی، و معضل محوری در هر کوششی برای شکل دادن به یک "نظم نوین"، در خود غرب نهفته است. سقوط شرق همچنین مترادف با زوال غرب بعنوان قطب مقابل آن است. یعنی زوال آن موجودیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی که برای محاصره و شکست بلوک شوروی پس از جنگ دوم جهانی حدادی شده بود. غرب، چه بعنوان یک مفهوم و چه بعنوان یک واقعیت اقتصادی - سیاسی، بر مبنای همزویی و یا به اصطلاح "نقش رهبری" ایالات متحده بنا شده بود. حفظ این نقش، و یا حتی گسترش آن، در دنیای متحول سیاست پس از جنگ سرد، چکیده دورنمای آمریکا برای "نظم نوین جهانی" است.

تا قبل از بحران اخیر در خاورمیانه بنظر می‌رسید که چنین دورنمایی فاقد محل عملی برای تحقق خویش است. عروج ژاپن و آلمان غربی بعنوان قدرتهای عظیم اقتصادی، حرکت بسوی وحدت اروپا و تحقق عملی وحدت دو آلمان، چرخش سیاسی در کشورهای اروپای شرقی به نفع راست طرفدار بازار، و بالاخره گشوده شدن اقتصادی و سیاسی خود شوروی بروی غرب، غرب قدیم را از هر لحاظ تخریب و تضعیف کرده بود. نه فقط نقش رهبری آمریکا، بلکه خود نهادی که محل و ضامن همزویی آمریکا بودند، نظیر ناتو، مردم زائد تر و بیخاصیت تر بنظر می‌رسیدند. کل سیاست خارجی آمریکا جهت و تمرکز خود را

با آنچه در خلیج می‌گذرد و با روایتی که رسانه‌ها از آن بدست می‌دهند الحق که باید از اینکه دنیای امروز دنیای دورویی، اخلاقیات دلیخواهی و معیارهای دوگانه است شکرگزار باشیم. تصور کنید اگر بنا بود همه قطعنامه‌های سازمان ملل با همین درجه عزم و قاطعیت به اجرا در آیند چه آشوبی بپا می‌شد. تجسم کنید که فقط برای نمونه چند هزارتن بمب می‌بایست بدلیل اشغال سرزمینهای فلسطینی و رفتار ضد انسانی با مردم فلسطین روی اسرائیل ریخته می‌شد، یا روی آفریقای جنوبی، بخاطر امتناعش از برسمیت شناختن هویت انسانی اکثریت ساکنینش، یا روی خود آمریکا، برای چندین دهه ارباب بی وقفه بشریت. تصور کنید که از کار انداختن سلاحهای نابودی جمعی که در آمریکا، شوروی، چین، فرانسه، انگلستان، اسرائیل و هرکشوری که وسعش می‌رسد انبار شده است به چند فقره پرواز جنگنده‌ها و بمب افکن‌ها و شلیک چند موشک کروز نیاز می‌داشت. فکر کنید اگر واقعا بنا بود از کنترل انحصاری نه فقط بر نفت، بلکه همچنین بر گندم، تکنولوژی، اطلاعات، دارو و غیره جلوگیری کنیم چه جنگهایی می‌بایست برپا شود. اگر بنا بود همه دیکتاتوری‌ها محاصره شوند چه تعداد کشتی لازم می‌شد. اگر بنا بود همه چنایتکاران جنگی، مستقل از نژاد و عقیده و ملیت، و آداب معاشرتشان محاکمه شوند به چه تعداد قاضی و سان دادگاه نیاز بود. تصور کنید که اقدام برای رام کردن همه ابرقدرت‌های دست به ماشه در سطح جهانی و منطقه‌ای محیط زیست را با چه خطرات عظیمی روبرو می‌کرد. و بالاخره هزینه مالی اینها را در نظر بگیرید. هیچ ژاپن و عربستان سعودی‌ای نمی‌توانست آتقدر پول رو کند. واقعا کابوسی می‌شد.

همینطور که هست خوب است، امن تر است. بیایید به کارناوال خودفریبی و خودپرستی قومی اروپایی - آمریکایی بپیوندیم. بیایید در شوق و ذوق کودکانه "مغربین ببطرف" و مفسرین تلویزیونی "متخصص" مان، در بازبهای جنگی کامپیوتری جدیدشان در عالم واقعی، سهیم شویم. یا شاید هم نه. بجای این بهتر است خود را از مغروضات و توجهاتشان خلاص کنیم و به مسائل واقعی این جنگ توجه کنیم. این جنگ بر سر دموکراسی و دیکتاتوری نیست. کشتن و معلول کردن هزاران تن از مردم عراق و خراب کردن خانه و مدرسه و کارخانه شان بر سرشان برآستی روش موعوی برای نجات آنها از ستم سیاسی است. این جنگ ربطی به جلوگیری از محروم شدن غرب از نفت ندارد. تملک نفت بازهم بیشتر برای کسی که قصد فروش آن را نداشته باشد بی‌معناست. این جنگ بر سر حراست از قوانین بین‌المللی نیست. با علم به پیشینه خود این مجریان قانون، از هیروشیما و ویتنام تا گرانادا و نیکاراگوئه، چنین ادعایی را نمی‌توان جدی گرفت. اینها معضلات واقعی این جنگ نیستند. اینها درست همانند که هستند؛ تلهیات جنگی. سرخ‌های کلیدی برای درک علل واقعی این درگیری را باید در اشارات پناظر بی‌آزار جرج بوش به یک "نظم نوین جهانی" و خواست پذیرفته نشده صدام



یک "امپراطوری شرق" جدید ساخته شد. یک کشور جهان سومی با جمعیتی کمتر از ۱۷ میلیون، مقرض و تماما وابسته به صدور نفت به غرب و فرسوده از جنگ هشت ساله با کشور همسایه‌اش ایران، یک خطر تهدید کننده جهانی تصویر شد. یک مساله منطقه‌ای که تحت شرایط دیگری با فشارها و مانورهای سیاسی و دیپلماتیک پاسخ می‌گرفت، تا حد یک کارزار مرگ و زندگی برای "جهان متمدن" بزرگ جلوه داده شد. اروپای قاره با تزلزل به خط شد. هلموت کولر و میتران، چهره‌های اروپای بورژوازی متحد و مدعی، توسط بوش و بیکر، سمبلهای قدرت فائقه آمریکا، به حاشیه رانده شدند. غول ژاپن به یک صندوقدار مطیع تنزل داده شد. حیاتی بودن "نقش رهبری" آمریکا در نظم سرمایه دارانه جدید جهان به اروپا یادآوری شد. در حالی که عراق صحنه جنگ است، مسائل محوری‌ای که باید از طریق این جنگ حل و فصل شود در درجه اول

در غرب نهفته است. نمایش قدرت و "رهبری" آمریکا در منطقه قرار است ضامن حفظ موقعیت برتر این کشور در مقابل متحدین و رقبایش در غرب پس از جنگ سرد باشد - عاملی که در عین حال پیش شرط تفوق جهانی آمریکا نیز هست. اما تلاش آمریکا خلاف منطق سرمایه داری امروز عمل می‌کند که تجدید نظری اساسی در موازنه قدیم و شکل گیری آرایش اقتصادی و سیاسی بورژوازی جدیدی را ایجاد می‌کند. ماهیت شکننده "ائتلاف" امروز در مقایسه با همبستگی درونی‌ای که اتحاد غرب دهها سال در مقابله با بلوک شرق از خود نشان داد محدودیت‌های تاریخی تلاش آمریکا را تاکید می‌کند.

فلسطین و کویت: پیوند

در سنگرهای مقابل، نه عراق بعنوان یک کشور یا رژیم سیاسی، بلکه ناسیونالیسم عرب بعنوان یک نیروی منطقه‌ای را می‌بایم - حریف دیگری در کشمکش برای شکل دادن به نظم جدید. این ناسیونالیسم خلق گرایانه و ضداستعماری قدیم نیست، بلکه پرچم بورژوازی عرب پس از اوپک است. مبارزه جویی این ناسیونالیسم از استیصال فقرای عرب یا مصائب مردم فلسطین مایه نمی‌گیرد، بلکه حاصل امکانات مادی‌ای است که بر روی دولت‌های بورژوازی عرب بهبود موقعیت شان در اقتصاد جهانی و ساختار منطقه‌ای و بین‌المللی قدرت گشوده شده است. تقابل و موازنه قدیم بین شرق و غرب مدتها چنین انتظاراتی را عقیم گذاشته بود. نفوذ غرب در خاورمیانه بر اسرائیل و ایران، بعنوان ستونهای سیاست محاصره شوروی، متکی بود. حتی دولت‌های عربی طرفدار غرب، اردن، عربستان سعودی و بعدها مصر، قادر به برقراری چنان پیوند اقتصادی و سیاسی فشرده‌ای با غرب که اسرائیل و ایران زمان شاه از آن بهره‌مند بودند و شرط ضروری توسعه سرمایه داری و پیشرفت تکنولوژیکی محسوب می‌شد نبودند. بعلاوه مدتها قبل از سقوط نهایی بلوک شرق دیگر روشن شده بود که این بلوک از ارائه هرگونه چهارچوبی برای رشد اقتصادی در کشورهای منطقه نفوذ خود ناتوان است. اما مادام که ملاحظات وسیع تر جهانی غرب را به اسرائیل گره می‌زد، اینکه کشورهای عربی، با جمعیتی ۵۰ برابر اسرائیل و منابع وسیع اقتصادی، نفت و نیروی کار، در صحنه سیاست بین‌المللی و اقتصاد جهانی نفوذی بهمان درجه موثر بدست بیاورند ممکن نبود. و اینجا پیوند غیر قابل انکار جنگ اخیر با مساله فلسطین آشکار می‌شود. مستقل از اینکه سران عرب سرسوزنی بیکر مصائب مردم فلسطین هستند یا خیر (که عموما نیستند)، مساله فلسطین به شاخص برخورد غرب و آمریکا به جهان عرب تبدیل شده است. اسرائیل و مساله فلسطین مانع جوش خوردن اقتصادی و سیاسی کامل جهان عرب یا غرب است. بقول عرفات، اعراب می‌خواهند یا غرب باشند اما "نه بعنوان برده بلکه بعنوان شریک". مصر کوشید تا از طریق فاصله گرفتن از امر پان عربیسم و رسیدن به توافق جداگانه با اسرائیل به این هدف برسد. این استراتژی شکست خورد. ناسیونالیسم ملیت‌ات می‌خواهد با نمایش قدرت به همین هدف برسد. با غرب می‌جنگد تا با شرایط مناسب تری به آن ملحق شود.

اشغال کویت توسط عراق در بدو امر یک اقدام نظامی سراسر عراق برای رسیدن به اهداف کشوری خویش بود. بهترین سناریو از نظر عراق یک الحاق بی‌سرن و صدا و بدون عواقب فوری در منطقه بود. اما هنگامی که این حرکت با مقاومت شدید غرب روبرو شد، اقدام عقیم مانده عراق بعنوان خدمتی به آرمان وسیع تر و منطقه‌ای توسط ناسیونالیسم عرب در آغوش گرفته شد. درک اینکه چرا ناسیونالیسم عرب میدان عمل خویش را وسیع تر می‌بیند و چرا یک جنگ نابود کننده هنوز شکل می‌گیرد.

می‌تواند یک پیشروی سیاسی محسوب شود دشوار نیست. سقوط بلوک شوروی اهمیت استراتژیکی اسرائیل برای غرب را کاهش داده است. روزی که واقعیات اقتصادی و مردم شناسانه منطقه خود را به سیاست غرب تحمیل کنند دور نیست. تغییر جغرافیای سیاسی کهنه جهان، همچنانکه از رویدادهای اروپا، شوروی، یمن و کره پیداست، امر محتومی است. تقسیم بین‌المللی قدرت میان دول بورژوازی ناگزیر باید مورد تجدید نظر قرار بگیرد و قطبهای اقتصادی و سیاسی جدیدی که در نتیجه توسعه تکنولوژی و بین‌المللی شدن سرمایه، خارج از قلمروهای سرمایه‌داری پیشرفته ظهور کرده‌اند را در بر بگیرد. موازنه خشکی که توسط قطب بندی قدیم شرق و غرب ایجاد شده و ابقاء می‌شد در هم شکسته است. نیروهای رو به عروج در سطح منطقه‌ای می‌توانند به اینکه با عمل قاطعانه بر سرنواشت خویش تاثیر بگذارند امیدوارتر باشند. برخی از اهداف ناسیونالیسم ملیت‌ات عرب فی الحال متحقق شده است. نتیجه نظامی جنگ هرچه باشد، تغییرات فاحشی در منطقه به ضرر اسرائیل هم اکنون در جریان است. ادامه روند فعلی بهبود مناسبات آمریکا و اسرائیل، که تحویل پول و موشک به اسرائیل نشانه آن است، در آینده دشوار بنظر می‌رسد. با پایان جنگ فشار غرب، و یا بهرحال اروپا، بر اسرائیل شدت خواهد گرفت. ناسیونالیسم عرب تا همینجا توانسته است برسمیت شناسی ورئه اقتصادی و سیاسی جهان عرب را به غرب تحمیل کند. تا همینجا غرب خود را به سازشهایی پر سر مساله فلسطین متعهد کرده است که تا دیروز سابقه نداشت. بعلاوه فواید جنبی‌ای هم وجود داشته است. در خاورمیانه ناسیونالیسم ابتکار عمل را از پان اسلامیسیم بازپس گرفت. اسلام به نقش درجه دوم خود در سیاست جهان عرب، بعنوان یک ابزار بسیج در خدمت عمل سیاسی ماهیتا ناسیونالیستی، رجعت داده شد. کشمکش اخیر کمک کرده است که حتی در ایران پرونده جناح پان اسلامیستی حزب‌الله بسته شود. برای خود عراق نفس بقاء، پس از یک مقاومت نظامی آبرومندانه، یک پیروزی سیاسی، و در دراز مدت حتی نظامی، محسوب می‌شود. اشغال عراق توسط آمریکا و یا حتی حضور نظامی دراز مدت آمریکا در منطقه قطعا جنگ حاضر را به ویتنام دومی برای این کشور تبدیل می‌کند. وضعیتی که به احتمال قوی می‌شکافد در اتحاد غرب و آمریکا از اروپای قاره خواهد انجامید. سوی این حالت، موقعیت عراق بعنوان یک کشور ذینفوذ در جهان عرب تحکیم خواهد شد.

این جنگ باید متوقف شود. این جنگ باید متوقف شود. درجه اول به دلیل توحشی که به نمایش می‌گذارد. این جنگ تا هم اکنون هزاران بیکانه را قربانی کرده است. کل ایده بیماران یا "دقت جراحی" یک افسانه است. یک کشور به تمامی یا بمب کوبیده شده است. مردم از کوچک و بزرگ یا بمب و موشک به قتل می‌رسند و یا از نبود آب و برق و دارو و بهداشت جان می‌دهند. فجاج این جنگ برای مردم بیکانه و غیر نظامی عراق سرپوش گذاشته شود. وقتی حقایق برملا شوند، که دارد بتدریج چنین می‌شود، بشریت شرمسار خواهد شد. این جنگ باید متوقف شود. به دلیل عقیدت سیاسی، فرهنگی و اخلاقی‌ای که به کل جهان تحمیل می‌کند. نشانها فی‌الحال در دست‌اند. دخالتگری نظامی ابرقدرتها، شوونیسم ملی، نژادپرستی، میهن پرستی، تعصب مذهبی، تروریسم و ژورنالیسم نوکر، اینها گوشه‌ای از نیروهای سیاهی هستند که با این جنگ افسار گسیخته‌اند. اینها مشخصات واقعی آن به اصطلاح "نظم نوین جهانی" هستند که دارد شکل می‌گیرد.

The Gory Dawn of the New World Order

US War in the Middle East

By Mansoor Hekmat

Judging by what is being done in the Gulf, and by what we are told about it by the media, we must all be thankful for the fact that this is a world of hypocrisy, selective morality and double standards. Just imagine the chaos if all United Nations resolutions were to be enforced with equal rigour and resolve. Just imagine how many thousands of tons of bombs would have to be dropped, to start with, on Israel for its occupation of Palestinian land and its treatment of the Palestinian people, on South Africa for its denial of human status to the majority of its inhabitants, and on the USA itself for uninterrupted harassment of humanity for decades. Imagine the number of fighter and bomber "sorties" and cruise missile launches that would be required to neutralize weapons of mass destruction stockpiled in the USA, USSR, China, Britain, France, Israel and all other states with enough cash to afford them. Imagine the kind of wars which had to be waged if we were to prevent monopolistic control of not just oil, but also grain, technology, vaccines, information, etc. Just think of the number of ships required to blockade all dictatorships; the number of judges and courtrooms needed to try all war criminals regardless of race, creed, nationality and table manners; the environmental cost of trying to tame all trigger-happy global and regional superpowers. And just think of the cost of it all - no Japan or Saudi Arabia could possibly cough up that much money. It would be a nightmare. Let it be. It is just safer as it is. Let us join the parade of self-deception and Euro-American jingoism. Let us share in the juvenile excitement of our overpaid "objective journalists" and TV panel "experts" over their real life computer war games.

Or perhaps not. Instead, we must free ourselves from their assumptions and justifications. We must look at the real issues involved. This war is not over democracy and dictatorship. Killing and maiming Iraqi people in their thousands and destroying their homes, schools and factories is indeed a sick way of liberating them from political oppression. The war has nothing to do with preventing oil-starvation of the West. There is no point in owning more oil if you do not intend to sell it. This war is not for upholding international law. In the light of the past record of the law enforcers themselves, from Hiroshima and Vietnam to Grenada and Nicaragua, such suggestions cannot be taken seriously.

These are not the real issues. These are exactly what they are: war propaganda. The main clues

for understanding the real causes of this conflict are to be found in Bush's seemingly harmless allusions to a "New World Order" and Saddam Hussein's rejected demand for a "linkage" (between the future of Kuwait and the resolution of the Palestinian question).

The New World Order

The conflict in the Gulf is merely one manifestation of the contradictions and uncertainties in the post-Cold War international relations. With the collapse of the Soviet bloc, the old international power structure, based on the military, political and, to a lesser extent, economic, opposition of the two power blocs of East and West, also disintegrated. While the mass media and political commentators in the West rejoiced over the so-called "collapse of communism" and promised a future of peace and harmony under the unchallenged sway of the glorious market, it was evident to anybody with a sober mind that the post-Cold War world will be ridden with serious economic, political and ideological tensions and confrontations. Western political commentary is usually focused on the volatile situation in the Soviet Union and Eastern Europe, the so-called North-South divide, the environment, regional conflicts and so on - i.e. problems which supposedly originate outside the boundaries of the "democratic" and "civilised" West. These are indeed part of the problems that face the 90s. However, the main challenge, and the central issue in any attempt to shape a "New Order", lies in the West itself. The collapse of the East meant also the demise of the West as its opposite pole, as a defined economic, political, military and ideological entity forged to contain and defeat the Soviet bloc after the Second World War. The old West, both as a concept and as a politico-economic reality, was erected on the basis of the hegemony, or the so-called "leading role", of the United States. The preservation of this role, or even its extension, in the radically transformed world of post-Cold War politics, is the essence of the American vision of the "New World Order".

Prior to the recent crisis in the Middle East, such a vision appeared to lack practical venues for self-realization. The rise of Japan and West Germany as formidable economic powers, the march towards European unity and the actual reunification of Germany, the political shift in Eastern European countries in favour of the pro-market Right and, last but not least, the political and economic opening of the Soviet Union itself to the West, undermined every aspect of the old West. Not only the leading role of the US, but even the actual institutions that embodied and safeguarded US hegemony, such as NATO,

appeared to become increasingly redundant. The whole American foreign policy lost its focus. Even some of the most hawkish Cold War warriors on the extreme right of American politics turned into advocates of isolationism. The crisis in the Gulf presented the US government with an opportunity to try to reverse these trends. In a recent speech to a gathering of Religious Broadcasters, George Bush spelled out US intentions in the war with astonishing clarity. The aim was to "restore the leadership" and "reliability" of the United States. Once this was achieved, said Bush, international problems such as the Palestinian question, could be resolved with the US "taking a leading role".

The United States seized the opportunity created by Iraq's invasion of Kuwait to reassert itself as a superpower. With a massive campaign of propaganda and provocation skillfully carried out by the high-tech bootlicker journalism in the West, itself a product of mass political apathy of the 80s, a new "Evil Empire" was created overnight. A Third World country of no more than 17 million people, indebted, totally dependent on its oil exports to the West, and worn out after eight years of war with the neighbouring Iran, was portrayed as a global menace. A regional issue that would under other circumstances be dealt with by the usual political and diplomatic pressures and gestures, was blown out of all proportions into a life and death challenge for the "civilized world". Continental Europe hesitantly fell in line. Kohl and Mitterrand, figures of an assertive united bourgeois Europe were pushed to the sidelines by Bush and Baker, symbols of American omnipotence. The Japanese giant was reduced to an obedient cashier. Europe was reminded of the indispensable "leading role" of the US in the capitalist new world order.

While Iraq is the theater of war, the central issues that are to be settled by this war lie primarily in the West. USA's show of force and "leadership" in the Middle East is to ensure it a commanding position *vis-a-vis* its allies, and rivals, in the post-Cold War West; a precondition, also, for a global US supremacy. But USA's endeavour runs against the political and economic logic of the present-day capitalism, which calls for a fundamental revision of the old balance and the emergence of a new bourgeois economic and political configuration. The fragile nature of the "Coalition", in contrast to the cohesion displayed for decades by the Western alliance in their confrontation with the Eastern bloc, underlines the historical limits of the American endeavour.

The linkage

In the opposite trenches we find not Iraq, as a country or a political

regime, but Arab nationalism as a regional force - another contestant in the struggle for shaping the New Order. This is not the old populist, anti-colonial Arab nationalism, but the banner of the post-OPEC Arab bourgeoisie. It derives its militancy not from the desperation of the Arab poor or the plight of the Palestinian people, but from the material possibilities opened to Arab bourgeois states to improve their standing in the regional and international power structure and the world economy. For long these aspirations were thwarted by the old East-West confrontation and balance. Western influence in the Middle East rested on Israel and Iran as pillars of the policy of containment of the Soviet Union. Even pro-West Arab countries, Jordan, Saudi Arabia and later Egypt, found themselves unable to affect the same level of economic and political integration with the West that was enjoyed by Israel and Iran under the Shah and was essential for capitalist development and technological advance. Moreover, long before its eventual collapse, it had already become evident that the Eastern bloc could not offer any framework for economic growth in the countries within its sphere of influence. But Arab states, with a total population 50 times that of Israel and vast economic resources, oil and labour, could not find a correspondingly strong voice in the world economy and international politics, as long as broader global considerations tied the West to Israel.

And here is the undeniable linkage. Whether or not Arab statesmen care an iota about the plight of the Palestinian people (which they generally don't), the Palestinian question has become an index of USA's and the West's attitude toward the Arab world. Israel and the Palestinian question stand in the way of full economic and political integration of the Arab world with the West. Arabs want to be with the West "not as slaves, but as partners", says Arafat. Egypt attempted to achieve this objective by distancing itself from the Pan-Arabic cause and attempting a separate accommodation with Israel. The strategy failed. Militant nationalism hopes to achieve the same objective by show of strength. It is fighting the West in order to join it on more favourable terms. The initial occupation of Kuwait was a straightforward military act on the part of Iraq for its own national interests. For Iraq the best scenario would have been a quiet annexation without immediate regional repercussions. But once this was forcefully resisted by the West, exactly because of its real linkage with the future of Israel, and once a US military intervention against an Arab state became imminent, the aborted Iraqi act was embraced by militant Arab nationalism as a contribution to the broader regional cause.

It is not difficult to see why for Arab nationalism the field of action appears to have widened and why even a destructive war may still count as a political advance. The collapse of the Soviet bloc has undermined the strategic significance of Israel for the West. Sooner, rather than later, the economic and demographic realities in the region are bound to impose themselves on Western policy. The old political geography of the world is bound to be revised, as is already evident from developments in

Europe, the Soviet Union, Yemen and Korea. Moreover, the international division of power between bourgeois states must be revised to take account of the new economic and political poles that have emerged outside the boundaries of the advanced capitalist zones as a result of post-war technological advance and internationalization of capital. The rigid balance imposed and maintained by the old East-West polarization has broken down. Emerging regional forces can hope to influence their destiny through resolute action.

Some of the objectives of militant Arab nationalism have already been realized. Whatever the military outcome of the war, a dramatic change in the region to the detriment of Israel is already in progress. Improvements in US-Israeli relations, symbolized by the delivery of cash and missiles to Israel, will prove hard to sustain. The end of the war will also intensify Western, or at any rate European, pressures on Israel. Arab nationalism has already managed to force upon the West a recognition of the economic and political weight of the Arab world. Already the West has committed itself to far greater concessions on the Palestinian issue than it ever had. There have also been fringe benefits. In the Arab world, nationalism has regained the initiative from Pan-Islamism. Islam has been forced back to its secondary role in Arab politics, as a tool for mass mobilization for the essentially nationalist political action. Even in Iran, the recent conflict has helped to seal the fate of the Pan-Islamic Hezbollah faction. For Iraq, its mere survival, after having put up a respectable military resistance, would be a political, and in the long term even military, victory. US occupation of Iraq or long term American military presence in the region will definitely backfire and turn the current war into a second Vietnam for the USA. A development which is likely to lead to a split within the new Western alliance and the isolation of US from Continental Europe. Short of this, however, the position of Iraq as a leading state in the Arab world will be consolidated after the war.

The war must be stopped

This war must be stopped first and foremost for the barbarity that it represents. It has already claimed thousands of innocent victims. The whole idea of "surgical" bombing is a myth. A whole country is bombed to the ground. Adults and children are killed by bombs and missiles and die of lack of water, electricity, medicine and sanitation. The horrors of this war for innocent Iraqi civilians cannot be hushed up by the Western media for long. When the facts emerge, as is gradually happening, the whole humanity will be put to shame.

This war must be stopped for the political, cultural and moral retrogression it imposes on the world as a whole. The signs are already here. Superpower military interventionism, colonial mentality, national chauvinism, racism, patriotism, religious prejudice, terrorism, and lackey journalism are some of the dark forces already unleashed by this war on both sides of the conflict. These are the real features of the so-called New World Order that is in the making. □

Iran: Two-week strike throughout oil refineries

WT News Service:

Thousands of workers of the oil refineries in Iran took a joint strike action from 29 December until 13 January over a number of key demands.

Beginning with a hunger strike by the workers in Isfahan and Abadan refineries, the strike soon spread to the refineries in Tehran and other cities. Four days into the strike and with no response yet from the management on the demands, the workers decided to stop work altogether.

The demands of the workers included: the indexing of wages to inflation, determination of the employment status of workers not covered by the labour law, the implementation of the Job Classification Scheme, provision of housing and higher housing benefit, payment of the overdue essential-goods coupons, abiding by the 1978 collective agreement on the provision of food allotments instead of the present 9,000 rial monetary payment.

A Labour Ministry representa-

tive who came to the assembly of the strikers in Tehran asked the workers to end their strike and by choosing a representative give the authorities time to see into their demands.

In reply to the workers' question whether the election of representative was legal and endorsed by the Labour Ministry, he said that no such authorisation existed, but that they could choose a "contact"! (Even forming state-made Islamic Councils is prohibited in the oil industry.) Refusing to elect a so-

called "contact", the workers demanded that they meet the Oil or Labour Minister.

On 12 January an official from the Information Ministry spoke at the workers' assembly, and referring to the crisis in the Persian Gulf region, threatened that "As of today we are taking over the responsibility for the refinery's security, and you have to do with us. ... It is in the national interest that you end your strike." He asked for more time to be given for the government to review the matter. Later that day the workers decided to return to work, and give the authorities until 20 January to give effect to their demands.

The strikes in other refineries have followed a similar course, and according to one report, the authorities have responded positively to the demands. □

IRAN: IN BRIEF

WT News Service:

Fighting Closures

After several months of protest, the workers of Javaherian plant, maker of household appliances, staged a sit-in in July in front of the factory gates to protest the planned closure of the factory and layoffs, according to a report by the Communist Party of Iran.

During their repeated visits to the Labour Ministry to protest against the factory's closure, the workers had found out that the owners were planning to replace the existing workforce with contract workers. During their sit-in, which was continued overnight, the workers posted placards on the walls saying, "No closures!", "Death to the capitalists!", "Pay the overdue wages and benefits!". The police and the *Komiteh* guards came to the scene during the protest. The sit-in ended the following day without results. About 250 workers work in this factory.

Against six-day week

Workers of a number of engineering plants were recently involved in a fight to prevent the introduction of a six-day working week.

According to a report in *Rah-e-Kargar*, a recent directive by the National Industry Organisation (the state organisation which owns most of the major industries in Iran), calling for an increase in the working time and introduction of a six-day working week, led to wide-spread protests by the workers of the factories belonging to this organisation. In some of the factories the management was able to introduce the six-day week, while in some others, such as Filco, Azmayesh, Seiko and Alborz, the workers successfully resisted the plans.

Higher benefits won

● In protest against a cut in the amount of the productivity benefit, the workers of Pars Electric engineering plant in Tehran staged a go-slow in late November, according to a report by the Communist Party of Iran.

The go-slow developed into a full stoppage in some sections of the factory. Fearing a possible strike, the management visited the various sections of the plant to talk to the workers. In the end pledges were made to increase the productivity benefit from the following month.

● After a two-day strike, the contract workers of Atmosfer factory succeeded in raising the productivity benefit and the lunch allowance.

According to a report by the Communist Party of Iran, the strike in early January started when the contract workers received no productivity pay, while the non-contract workers were paid a 100 per cent productivity benefit. After two days on strike, the contract workers succeeded in winning an 80 per cent benefit and a rise in the lunch allowance. □

Iran: New Labour Law against workers' rights

WT News Service:

On 30 December President Rafsanjani announced in the Friday Prayers that the Islamic Republic Labour Law had been passed.

According to the official papers in Iran, after this announcement, many workers and employers contacted offices of newspapers and news agencies to find out when the new labour law was coming into effect.

The official *Islamic Republic* daily wrote: "It seems that many are under the assumption that this law is in force from today." The Labour Minister said in a press interview that the work of preparing the appropriate guidelines had begun. A member of the Islamic

Assembly said it was "shameful and unfortunate that such an important law had been delayed for 12 years in the legislative process", and expressed the hope that with the passing of this law, workers would work more and in this way refute the charges of the technocrats "who say that after the enforcement of this law there may be unrest and less work done in the workplaces".

The Islamic Republic Labour Law is the truncated version of the same draft which does not recognise any of the basic rights of the workers in Iran such as organisation right, the right to strike, 40-hour week, and the prohibition of sexual, religious, racial, and other, discriminations. □

British union condemns persecution of labour activists in Iran

WT News Service:

In a letter of protest to the Iranian embassy in London, the Transport and General Workers Union (TGWU) in Britain, has condemned the arrest, torture and execution of workers' leaders in Iran. The letter specifically protests against the brutal execution of Jamal Cheragh-Vaissy, the labour activist who was arrested after speaking at a First of May rally in 1989. The following is the full text of the letter:

Mr. Kharegh Ghoni
Charge d'affaires
Embassy of the Islamic Republic of Iran
27 Princess Gate
London SW7 1PX

10 December 1990

Dear Mr. Ghoni,

I am writing to you on behalf of the 1.3 million members and the General Executive Council of the TGWU.

It has been brought to our attention that during the year several Iranian workers' leaders, including JAMAL CHERAGH-VAISSY, have been arrested, tortured and later executed for their activities.

We are most shocked and dismayed at this news and would like to express our condemnation of such inhuman acts which we consider to be an appalling infringement of human rights.

Your sincerely,

Ron Todd
General Secretary

In the Persian Section

In addition to articles published in the English section, the Persian section of this issue includes the following main articles:

*On the new Labour Law *The miners' march in Turkey *The French labour movement & the Gulf war *The US labour movement & the Gulf war *German workers and the anti-war movement *Immigrant workers in the Gulf: the forgotten victims *The media's war against the public conscience.

Iran:

Sacrificing workers for capital

A massive devaluation wipes out modest wage rise, hits workers drastically

WT News Service:

It has been announced that the wages of all workers in Iran are to be raised by 20,000 rials [\$14] a month, as of March 1991. However, the announcement was followed by an immediate massive devaluation of the Rial which will make the workers far worse off.

After lengthy considerations, the Supreme Council of Labour finally decided on 30 December to make the increase, which means a 67 per cent rise in the minimum wage - from the present 1,000 rials a day to 1667 rials.

The news of the rise in the minimum wage, the considerable pay increases for the state employees, as well as the doubling of the salaries of the army personnel in the past few months, were strong indications that the government intended to devalue the rial. In the last few years devaluation has been considered as a way of saving the Iranian economy.

After the devaluation, the official exchange rate of the rial fell from 110 rials to 1,400 rials to the US dollar. Thus, against a nearly 1,350 per cent fall in the official value of the rial, the minimum wage of workers is to be increased - two months later - by only 67 per cent!

The devaluation of the rial will lead to a dramatic rise in the prices of some goods and to a soaring inflation. In the absence of a cor-

responding rise in wages, this means another severe blow on the purchasing power of the working class which in the past ten years has been drastically and continuously eroded.

The devaluation precisely serves the economic goals of the government: 1- attracting foreign investments and foreign loans; 2- increasing state revenue in order to expand the economic infrastructure; 3- inducing private sector investment in productive sectors, rather than in trade. The government's unsuccessful attempts so far to get the economy going are now to be repeated by the familiar policy of devaluation, at the expense of the even greater deterioration of the standard of living of the working people.

With devaluation, the price of imported goods will increase dramatically, making it more profitable to produce them domestically. This will attract domestic capital towards production. Moreover, if before the devaluation, foreign capitals paid the workers in Iran something like \$9 a day as the minimum wage, now - even counting in the 67% pay rise which has not yet come into effect - they will only have to pay around \$1.3 a day. The Iranian worker, deprived of strike and organisation right and with a labour power priced at next to nothing, is being sacrificed, bound and gagged, at the altar of

capital. Shame on You!

In view of the serious effects of the recent devaluation on the Iranian economy and the lives of the workers, we shall carry an article on this issue in the next issue of the paper. □

Subscription Form

I would like to subscribe to Worker Today for a period of
 Six months One year

Please send my Worker Today and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Send the filled form to WT address:
WT, Box 6278, 102 34 Stockholm, Sweden

NOTE! In the USA and Canada send to:
WT, PO Box 241412, Los Angeles, CA 90024, USA

Subscription Rates:

<i>Europe:</i>		<i>Elsewhere:</i>	
1 Year	SKr120	1 Year	SKr180
6 Months	SKr70	6 Months	SKr100

● Institutions double the rates ● All prices include p&p.

IN BRIEF

Germany

Postal workers in eastern Germany staged a several-hour strike in January demanding the indexing of wages to inflation and wage parity with western Germany. Negotiations between the postal workers union and the employers led to an agreement by which a so-called "Thirteenth-Month Payment" of between 650 and 900 marks will be paid once every year.

USA

Workers of Delta Pride company in Indianola, Mississippi, ended their three-month strike after the company agreed to a series of the demands. According to *Labor Notes*, published in the US, the settlement includes an immediate wage rise by 65 to 85 cents an hour, full access rights to union representatives, and the right to form a health and safety committee.

Ten striking *New York Daily News* workers occupied the newspaper's Brooklyn office on 2 January as part of their protests in their long fight against the company's concessions drive and firings. The ten workers were arrested after 80 uniformed police, a hostage negotiator and a bomb squad were sent to the scene.

Mexico-US-Canada

On 8 January, Ford auto workers commemorated the anniversary of the death of Cleto Nigno - the Ford-Mexico worker who was gunned down during the suppressed strike last year in the Cuautitlan plant. According to a report in *Labor Notes*, on 8 January 1,000 workers held a solemn mass in front of the plant in Mexico despite the presence of a huge police force in riot gear. In Canada and the US, thousands of auto workers wore black ribbons in solidarity.

People against the war

WT News Service:

By the first half of January, as the deadline for the ultimatum of war against Iraq was drawing near, the anti-war protests in the USA and Europe had got well under way. With the launching of the bombing raids on Iraq and the start of the war in the early morning of January 17, anti-war protests erupted in many parts of the world.

On 12 and 13 January hundreds of European and US cities were the scenes of massive demonstrations and marches. The height of the anti-war protests before the start of the war came on 13 January as people in 18 US states demonstrated without let up. Over the same two days millions of people in various European cities protested against the war policy of the US and its European allies. Over 150 anti-war rallies were staged in France, and 100,000 took part in an anti-war demonstration in Paris. In Rome 100,000, and in London 40,000 people took to the streets. In over 120 German cities 250,000 people protested against the imminent war. In Frankfurt on 13 January 10,000 people formed a human chain around the military airfield in the city for several hours.

Two days after the start of the war, tens of thousands of people demonstrated in London. It was announced that there would be demonstrations on every following Saturday until the war is ended.

Saturday 26 January was the day of simultaneous anti-war protests all over the world. 200,000 people in Washington, 200,000 in New York, and 250,000 in San Francisco, chanting "No to Bush's war!", called for the ending of the war and the return of American soldiers from the Persian Gulf. Simultaneously, demonstrations were held in London, Paris, Rome, Madrid, Geneva, Amster-

dam, Berlin, Istanbul and numerous other European cities. On the same day anti-war demonstrations were staged in Tokyo, Osaka and Hiroshima. 200 survivors of the atomic bombing of Hiroshima in 1945 joined the demonstration in the city, calling for the ending of the US war in the Middle East.

In Europe, the heart of the anti-war movement beats in Germany. As the news of the bombardment of Iraq in the early hours of 17 January came in, schools and universities went virtually closed, and round-the-clock demonstrations began. On 19 January several hundred thousand demonstrated in various German cities against the war. And on 26 January, the day of joint protests throughout the world, the biggest anti-war protest in Germany was staged. In Bonn alone 200,000 marched in opposition to the war. The German people showed their protest by chanting hundreds of slogans against the war, against the sending of arms, and against the censorship of the war news and the media silence on the war victims.

The labor organisations in Germany are playing an important role in the anti-war movement. Before the start of the war, workers in a number of factories went on strike to show their opposition to the war. As the news of the US air raids on Iraq was announced, the metal workers of Hansa-Metallwerk in Stuttgart stopped work. They gathered in front of the factory, carrying placards reading: "Stop the Gulf war!" and "No blood for oil!". Also 900 steel workers of Mannesmann in Solingen staged a warning strike on 18 January and held a rally in the city. On 25 January over 2000 workers of V.D.O plant in Frankfurt marched against the war. German trade unions, among them the German trade union confederation DGB, IG Metall and the press and

media workers' union, issued statements calling for demonstrations and meetings against the war.

In France the trade union confederation CGT is among the main organisers of the anti-war movement. In the US, too, the labour organisations have joined the anti-war movement. According to a report in the *Labor Notes*, published in the US, before the war started 11 major international unions, among them the Communications Workers, Auto Workers, Electronic Workers (IUE), and Oil, Chemical and Atomic Workers, announced their opposition to war in the Middle East and urged that Bush "should let the sanctions work". More radical opposition has been voiced by some local unions and worker organisations who have called for the immediate return of the US troops.

In Seattle, five public employee locals called for the immediate withdrawal of all US troops in the

Middle East. In St. Louis, the New Directions Movement in the United Auto Workers, and the Coalition of Black Trade Unionists are participating in a local anti-war committee. In New York, the Labour Committee for Peace - made up of officials and members from locals of CWA, United Auto Workers (UAW), Teamsters, Amalgamated Clothing and Textile Workers Union, National Writers Union and American Federation of Musicians - is coordinating union-sponsored activity. In Oregon, postal and state employees, communications workers, and musicians, and in California four central labour bodies and the state federation have joined the anti-war movement.

According to a report published in the *London Independent*, on 28 January three unions staged strikes in Casablanca and several other Moroccan cities. Morocco has sent 1500 troops to Saudi Arabia to join the US and its allies' forces.

Mansoor Hekmat examines the myths and realities of the US war in the Gulf

p.10

TV studio occupied in protest against bootlicker journalism

The viewers of Germany's Channel 2 watched an extraordinary programme on Saturday 19 January. While a live programme about the war in the Gulf was on the air, suddenly a group of protestors carrying anti-war placards stormed the studio. The programme presenters were hurtled with a torrent of questions: Why do you portray the bloody war in the Gulf like a sports programme in which the pilots perform the fancy acts?,

Why don't you report the number of casualties?, Why have you put yourself in the service of the war policy?, and many other questions. The presenters, clearly shaken, tried to answer the questions as calmly as they could. The entire incident was sent live. Since this incident, before the start of programmes on the war, it is announced that the news come from US sources, are censored and very probably do not give the whole picture! □

Over two million take part in general strike in Turkey

WT News Service:

The massive strikes which erupted in Turkey in mid-November last year have continued through January 91.

On 3rd January over two million workers took part in a general strike called in response to the restriction of strike right by the government.

After the call for general strike was issued, the government warned the workers against taking strike action and used all available anti-worker legislation to prevent the strike. On 2nd January in an official statement, the government called the strike incompatible with Turkey's Constitution and labour laws and warned that if the workers took part in the action their job

contracts would be terminated and they would be fired without severance payments.

Interior Minister Jamil Cicik said in an interview with the Turkish service of the BBC radio: According to the Constitution and the labour laws, general strikes are illegal. He added: It was not we who passed this law; the Turk-Is union itself participated in the passing of the law when it was a supporter of the government.

The general strike was followed on 4 January by a magnificent protest march by the striking miners of the city of Zonguldak. Over 100,000 miners and their families set off on a 250-kilometer march from Zonguldak to Ankara, but on the fifth day they were stopped by the army. □

We were against the war from the start

Interview

Mehmet Karakuc is the First Secretary of Automobile-Is - one of the main unions involved in the on-going strikes in Turkey. He talked to Reza Shahrestani, WT correspondent, on 16 January 91. Excerpts:

Worker Today: When did the strike begin?

Mehmet Karakuc: We began the strike on 26 December. With the other metal workers joining us on 27 and 28 December and 3rd January, we are now on strike in 88 workplaces and more than 30,000 members are involved.

Specifically which other sections of the metal workers have joined the strike?

Besides our union, the workers of three other unions, Turk-Metal, Ozdemir-Is and Celik-Is in MES workplaces [the mine products industries] have simultaneously gone on strike.

The war in the Middle East has affected all the current issues. What is your view on this war? We believe that peace is the only word that we can rely on. If a crisis is sparked off in the Middle East, then Turkey will have to pay for it too. That's why we have been against the war and against Turkey siding with the interests of US imperialism, and have put forward our own solution. We will continue to work in this direction, and are opposed to Turkey's participation in this war.

What sort of support do you expect from workers in other countries?

In view of the bad financial situation of our union, we hope workers in other countries would support us financially - but morally too. □

Inside:

***The gory dawn of the New World order p.10**

***Oil workers strike in Iran p.11**

***Devaluation hits workers p.11**

***New Labour Law in Iran denies worker rights p.11**

***Union condemns labour persecution p.11**